

صدمه اش به ضعیف نرسد و اگر مابخواهیم بموکلین خود خدمت کنیم پنده هرمن میکنم که موکلین من تمام اهالی ایران است بلااستثناء و باید صلاح یعنی برای تمام آنها بکنیم پس دولت باید قسمی کند که راحتی از برای تمام مردم فراهم کند خدا میداند اگر امنیت کاملا در ایران برقرار شود و قوه دولت زیاد شود آنکسانی که دارای ده گوسفند هستند در این مملکت بخوبی میتوانند زندگانی کنند اما برخلاف امرور که مأمورین دولت این هم فشار می آورند و همچنین بواسطه چاری نشدن عدالت که یازده سال است ماقبل اسما آنرا میبریم و معنی ندارد متمول در عذاب است فقیر در عذاب است دیگر عرضی ندارم

رقیس — آقای سردار مقدم

سردار مقدم — پنده اساساً با این لایحه با این ترتیبی که پیشنهاد شده است مخالفم لیکن بعضی اطلاعات دارم که لازم است عرض کنم و همانطور که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند پنده هم در محیط رعایا زیاد بوده و زندگانی کرده ام شاید حالیه در بعضی از فرآه و دهات که طاحونه است پیشتر اذاین مبلغ که پیشنهاد شده میگیرند در بعضی جاهای دو عشر و سه عشر میگیرند و لیکن ترتیب صحیحی ندارد و اگر لیکن اعاده صحیحی برای اینکار داده شود البته بهتر است و پنده گمان میکنم که اگر این لایحه بکلی رد خود و تصویب نشود شاید آن مقصودی را که شاهزاده سلیمان میرزا دارند تأمین نشود و مأمورین مایه روش سابق را تعقب کرده و بتربیت سابق مالیات بگیرند ولی عقیده پنده هم این است که بیک عشر برای حق اراض و لیک عشر برای حق السماه زیاد است نیم هم عش برای حق اراض و نیم عش برای حق السماه کافی است چون زمینی که طاحونه در آنجادرست می کنند زمین مرغوبی نیست و برفرض اینکه زمین مرغوبی هم باشد دویست الی پانصد ذرع زمین آنقدر منافع ندارد دو عشر و سه عشر گرفته شود در اینصورت اگر مجلس صلاح بداند نیم عش از بایت حق السماه و نیم عش از بایت حق اراض تصویب کند هم برای رعایا و هم برای مالکین بصره و صلاح نزدیکتر است و همینطور است نظریات چند نفر از منافع که باهن هم عقیده هستند و پیشنهادی هم دو این خصوص تقدیم کرده ام و رئیس — اگر مذاکرات را آغازیان کافی می دانند پیشنهادات فرائت شود (گفته شد کافی است)

(پیشنهاد آقای سلطان العلامه بهضمن)

ذیل فرائت شد)

این پنده پیشنهادی نایم که چون ماده اول لایحه پیشنهادی دولت راجع به طاحون

دهم یکی ده تا دارد پنجه قران می دهد و همچنان مفصل در ضمن مذاکرات گفتند می شود غنی متمول پنده از این کلمات تمجب می کنم اولا مملکت ما هیچ فتو ندارد و خیلی کم است غالباً متوجه طین هستند و ما باید همانطور که آقايان فرمودند سعی کنیم همه انشاع الله غنی بشوند (من می گویم بهضی این الناظر را می گویند فده معنی ندارد ولی لفظ وهم خلاف است) ممکن نیست یک مخارج متنزه را از گرفت و از بعضی نگرفت باید هریک از اهالی مملکت بقدر استعداد خودش مالیات بدهد اگر من یک گوسفند دارم که گمرک مالیاتی یکی ده تا دارد پنجه قران بددهد یکی ده تا دارد زیادتر یکی هزار نادارد پیشتر نه اینکه از من بگیرند اگر اینطور بشود را از هزار تائی بگیرند اگر اینطور بشود آنوقت هزار تائی هم مثل من فقیر می شود پنده نسبت بشاهزاده رطبق همسفر خودم یک کلمه اپرداد پیشتر ندارم که می گویند اقلیت و اکثریت . اغلب یعنی چه ؟ اکثریت یعنی چه ؟ ماهیه یک مقصود دادم و ده یازده سال است دنبال آنرا گرفته ایم و میویم اگر مملکت ما مسلک داشت من یافت نمیشد که بالآخره یکی از آنها میگیرند و لیکن بعده نیز بیک در عین این اسامها توی یار انسان صورت عملی بیدا نکرد

پنده عقیده ام این است که از این اختلافات لفظی ما بعضی شرده ها متوجه میشود اینجا منبعی است این معلم امید تمام اهالی مملکت است و نظر تهم اهالی مملکت با اینجا است نظرشان با این جمیعت است که اینجا نشته اند . باید بیانات ماقسمی باشد که نسبت تمام مملکت خوب باشد

پنده عرض میکنم یک قسمت از این روزنامه ها که تجزیه میکنند منشاء الفاظ ما است (صحیح است) و اگرچه من با بعضی فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله موافق نیستم ولی یک کلمه عرض میکنم و آن کلمه این است که مستول مالیه باید لایحه فروش خالصه جات را به مجلس تقدیم نماید و آنها را به قیمت مناسبی به ساکنین یا قادرین بفرشند این عقیده پنده است حواله باشد باید این مالیات بهیچ فلسفه درست نیست دهد و این مالیات بهیچ فلسفه درست نیست باید این مالیاتها برداشته شود (گفته شد صحیح است) مثلاً کشف دوز مالیات صنفی دارد من نمی دانم مالیات صنفی یعنی چه اینکه بر روی چرمهش یک مالیات داده شده برای دیسمانش هم مالیات داده شده و هم چنین برای چیزهای دیگر شد آنوقت من که این چرم و دیسمان را بهم مربوط می کنم چرا باید یک مالیات بدهم و همچنین اصناف دیگر در این مملکت آنوقتی که صیاغی رواج داشت مالیات می داده معدله از باقیه هم جداگانه مالیات می گرفتند آنروز این کار غلط بود امروز هم غلط دولت است باید ناشیه از دست مأمورین جزء کاسپ و تاجر هم از دست آنها در صدمه هستند باید قسمی کنیم که از این صدمات راحت باشند یک قسمت هم از دست بزرگان علی است و مردمانی که در حوزه آنها واقعند در حمله هستند دولت باید با تمام قوای خودش جلو گیری کند که قبی

از قبیل ذمی یا گوسفند وغیره مالیات بسته شده است مالیات بستن بر ارزاق عمومی نظیر مالیات گمرک است که در اراضی خالصه واقع شده یا می شود لایحه دولت مشتمل براین دو مسئله بود کمیسیون برهنگاری بوده است (بمقیده پنده بنظری نبوده است آن قسمتی که متعلق به کلیه طاحونه ها بوده آنرا مسکوت نگذارد و فقط آن طاحونه را که در املاک خالصه واقع است هنوان فرموده — خالصه بطورویکه آقايان فرمودند جزء بیت المال عمومی است یعنی مال عموم است خزانه دولت مال عموم است باید متعاقش هم راجع به هم بود و اگر یک خالصه را دولت بخیال خودش بیک شخصی بیشند نمیتواند بجهت اینکه مال هم است باید بمصرف هم بر سر آمد اجره میگیرد متعاقش هم هم چزه مال هم است (متأسفانه با آقای خودم در این کلمه شاید یک اندازه مخالف باشم) لذا اگر بیک شخصی اجازه بدهد که دو قلن نقطه آسای بازار و مال الاجاره نمایند داشت اگر میمدد و مال الاجاره میگیرد متعاقش هم چزه مال هم است (متأسفانه با آقای خودم در این کلمه شاید یک اندازه مخالف باشم) لذا اگر بیک شخصی اجازه بدهد که داشت حق نخواهد داشت مگر اینکه صلاح مملکت باشد اگر دولت حمام ساخت و به مردم گفت پیاپل مفت توی حمام بروید حق ندارد مگر اینکه صلاح هم بود و همین طور خانه و کاروانسرا به حال دولت مال هم را نمیتواند اصلاً و منفعة بلاعوض به اشخاص بدهد باید همینکه یک کسی آمدو گفت من در مملکت خالصه خانه باز میگوید بسم الله بسازید و مالیاتش راهم بدهید کان هم بسازید آسیا هم همین حکم را در اردباید دولت اجره بدهد ولی مالیاتش راهم میگیرد حالا نکته ایکه دولت این مطلب را پیشنهاد به مجلس کرده است چیزی باشکر من دلیلش این است که عرض میکنم بمقتضای قانون اساسی نقل و انتقال های باید تمام بتصویب مجلس شورای ملی باشد و منعی اینکه اجره میمدد به فلان شخصی که در املاک خالصه یک آسیا نسازد این است که نا آخر الزمان اجازه میمدد از این اصل یک اتفاقی مال او باشد مقتضی نقل و انتقال منفعت است نه هن اذ مناسب بوده است که به مجلس پیشنهاد کند و مجلس هم آنچه صلاح میداند رأی بدهد .

یعنی این مالیات نیست و اجرتی است در مقابل اتفاق از چه کسی گرفته بشود ؟ از مالک آسیا میگیرند نهاز عمله این بود مسئله متعلق باین لایحه که من با این قسمتش موافقم (اما یک هشت نسبت به حق اراضی یا حق السماه زیاد است یعنیست آن را بعداً هر ضر خواهم کرد) حال مسئله بادام است در ضمن شوردر این لایحه مطالبی مذاکره میشود که این مالیات بمناسبت ارزاق همی برقرا تعییل بشود پنده هر ضر میکنم در مملکت ما نا امروز بر ارزاق همی هیچ مالیات مستحبی وضع نشده است چه ابرای اینکه کسی تابع ای این مالیات بمناسبت ارزاق همی بر قرار تعییل بشود پنده هر ضر میکنم در این قسمتی که حقیقتاً تعییل بر ضمیف هم هست خیلی بجا و بموضع خواهد بود اما مالیات بر گوسفند و شتر مالیات بر قبایر این قسمتی است و فقط بر چیزهایی که نفع دارد

دیگر حق خودش را و اگر هم مشاع است
بهان اندازه که دولت مالک است خواهد
برد
رئیس — مذاکرات در ماده سوم
کافی است ؟

(گفتند کافی است) رئیس — اگر آفایان موافق باشند
ده دقیقه برای تنفس مجلس تعطیل شود
(در این موقع جلسه برای تنفس
تعطیل و پس از نیمه ساعت مجدداً نشکنی
کردند

رئیس — ماده چهارم مطرح است
(بعضیون ذیل فرائین شد)
ماده چهارم — هایدات خالص مذکوره
در مواد فوق عبارت است از کلیه هایدات
طاحونه پس از وضع صدی سی از بابت
مخارج از هر قبیل

رئیس --- آفای آفا سپد پستوی (اجازه)

آفاسیل یونکوب — بنده مخالفتم
در اینجا برای این است که می خواهند

میزان مخارج را نا حدی معین کنند و
بعقبده من این میزان کم است و باید صدی
چهل برقرار کنند و هلت مخالفت بنده این
است که چون دستم نمیرسد کاری بکنم
این تعمیلات بکلی برداشته شده این است
که در هر لایحه از این قبیل که دولت به مجلس
پیشنهاد می کند، بنده هر چیز خود را می کنم
و نصد هوا مفریبی و گول زدن مردم را هم
ندارم زیرا بنده می دانم چقدر در این
مدت تعمیلات فوق الماده و فشار وارد شده
بنده براین نظریه این تعمیلات هر چا ممکن
باشد بنده هر چیز خود را می کنم تا رفاهیت
مردم ملاحظه بشود این است که در این چا
قطع نظر از این عقیده کلی صد سی را برای
مخارج کم می دانم زیرا وقتی بلکه شخصی
می آید و بلکه مخارجی می کند و بلکه آسیابی
می سازد باید ملاحظه سرمایه او بشود خود
بنده ارباب ملک هستم اینکه می گویند
آسیا دویست تو مان خرج دارد برخلاف
است آسیا دو سه هزار تو مان خرج بر می دارد
و باید ملاحظه سرمایه اورا بکنیم این است که
بنده پیشنهاد می کنم که در هوض صد سی
بنویسند پس از وضع صدی چهل حق دولت
اخذ شود

رئیس - آفای حاج میرزا علی

حاج میرزا علی محمد - بلى
رئیس - آفای رفتالدوله چهارم
رفعتالدوله - با پیشنهاد آقا سید

بمقوب مهادلتم
رئیس - با ماده همکار
رفعت الدوله - با اصل ماده
موافق ولی باید وضع صدی جعل که آفای
آقا سهدیمقوب فرمودند مهادلتم
رئیس - آفای حاج شمع اسدالله

صورت دارد با اینکه زمین مال خود مالک است و از آب دولت آسیا می گردد بلکه هشت بعنوان حق الارض پردازد و اگر زمین مال خود مالک است و از آب آسیا می گرد بلکه هشت را بد حق السماوی بدند و اگر

آب و زمین هر دو مال دولت است
آنکسی که می خواهد طاحونه بنانهای را باید دو هشت
پدهده پلک هشت جو ت حق الارض و پلک هشت
جوت حق السماء حالاً یشکه بعضی می فرمایند
نهم هشت کافی است راجع باقی هر ضی ندارم
و ای اکنون هر دوی اینم داده ای

وهر چه انتربیت مجلس رای بدهد آبیه
باید رفتار خود را بین لایه که بمجلس آمده
و مطرح است مالیات نبست من هم اگر این را مالیات
می دانستم مخالف بودم بجهت اینکه همان
طور که گفته شد مالیات وضع نمی شود مگر
بقد حاجت ما که نمی دانم چقدر حاجت داریم

که مالیات وضع کنیم دولت باید حاجت را به پیویند چقدر است و مالیات پیشنهاد کند مثلا اگر امروز دولت ده تومان کسر خرج دارد ده تومان میمالیات بسازد پیشنهاد

کند ولی در اینجا دولت زمین و آب می -
دهد و بیک حقی از بابت زمین و آب می گیرد
نمی شود کفت که چیزی نگیرد حالا بیک هشت
بیکیرند یا نهم هشت منوط برای اکثریت
است پس آنچه بنده نکرانی دارم و بعد از
این ممکن است اسباب اختلاف شده این
است که بعد از این اختلافات راجح بعایدات
بین مامور دولت و صاحب آسبا پیدا خواهد
شد صاحب آسبا خواهد گفت فلانقدر است
مامور می کوید زیاد تراست اگر رفع این
نکرانی بشود خوب است والا در باب نهم
هشت بیک هشت حق الارض و حق السماه کثربت
هر چه رأی داد صحیح است چنانچه نظر
بنده و جمهی دیگر هم این است که هشت
زیاد است والا به قبده بنده این یوشنها داد
ضرری ندارد هر کس می خواهد آسبای
بنا نماید اول می بپند صلاحش هست پا خیر
اگر صلاحش هست میرود ده هزار نومنان
خرج می کند و اگر صلاحش نیست بیکشانی
هم نمی دهد پس ما کار نداریم چقدر خرج
کرده است کارمان بعایدی است که هر چه
اکثریت رای بدهد از آنها بایدی از بابت
حق الارض و حق السماه باید دریافت دارند
رئیس - آفای همادالسلطنه خراسانی

(اجازه)

موافقت خودم بلکه مسئله بنظرم رسید خواستم
از آفای مخبر سؤال کنم در املاکی که هم
دولت مالک است وهم اشخاص دیگر این
حقوق بین مالک و دولت مشترک است یا
ابنکه نهاد راجع بدولت است اگر راجع
به رو است حق هر یک را چطور تشخیص
می دهند

مخبر - البته املاک شرکتی با
مشاع است با مفروز اگر مفروز است البته
دولت حق خودش را خواهد برد و مالک

آن امری است همچو ده هر چه هست باز هیبت
پیغامبر مخصوصاً دایین خود را کنم. چو صیفی
شتوی هر چه هست پیغامبر آنوقت مخارج
دولت از کجا باید اداره شود والا اگر می
خواهید حقی از برای دولت معین کند که
بگیرد باید همانطوری که آفای مدرس
فرمودند مطابق معمول مملکت حقی تعیین
شده معمول مملکت این است وقتی تمام
حقوقها ای که از آسیا هامی کیرنند باختلاف
نصف ثالث ربع تمام اینها را بسته بیم زان
صیحع مملکتی ثالث است یعنی صدی سی
وسه می کیرنند در اینجا ماصد بیست فرار
دادیم صد سیزده از معمول به مملکتی کم کردیم
می فرمائید اینطور نبست آفایانی که دو
اینجا هستند اغلب صاحب ملک و آسیا
هستند

(کفته شد اینطور نیست)
اقبال السلطان - اینطور هم نیست
که همه آفایان بی اطلاع باشند البته آنها
بیکه ملک دارند مطلع هستند حالا هر
کدام می خواهد خود را رافقی حساب
کنید مختارید ولی غالباً اطلاع دارید یا
باید گفت اصلاً هیچ ازد هیبت نباید گرفت
یا اگر بنا باشد حقی گرفته شود و اما بیکه
شاهزاده محمد هاشم میرزا می فرمایند که
بعضی آسیاها خوبی خرج بر میدارند و بعضی
آسیاها چندان خرجی بر آن تعلق نمی
گیرد و باید این مناسبات را بسته بمناسبت عرض
می کنم این لایحه راجع به آسیاهای است
که فعلاً در درهات موجوده است و ساخته
شده است که بک حقوقی از آنها گرفته می
شود صاحبان آنها چون شکایت داشته که
کم وزیاد گرفته می شود لذا این مقدار
را تعین کردند در این صورت اگر در آن به
بخواهند بک آسیاهای سازند البته آنها می
که می خواهند بنام کنند اگر صلاح خودشان
را دیدند و ساختن آسیا برای آنها باید
دارد البته می سازند و اگر دیدند فایده
دارد البته می سازند و حضرت والا خودشان می
دانند اشخاصی که در درهات می سازند آسیای
جهان هزار پنج هزار تومنی نمی سازند آسیا
های که رهایا در درهات می سازند دویست
الی سیصد تومن بیشتر خرج ندارد و آن
آسیاهای بیکه سه هزار تومن تمام می شود خود
مالک می برد اگر چنین آسیاهای که در اراضی
خالصه باشد البته متعلق بخود دولت است
رئیس - آفای هبغای ابراهیم زنجانی
(اجازه)

آقا شیخ ابراهیم — بندی برای
رفع اختلاف هر رش می کنم در اینجا مقصود
این است که اکر من پاپکنفر دهانی
پاپکنفر شهری برو در املات خالص طاحونه
بسازد چه حقی پاپک پدهد در اینجا دو

که خوبی صدر برای آب داشته باشد) اینها را پسنجند و بعد تناسب بین آب و ذمین را پسنجند .
بهمن تناسب یک مبلغ را نمی توانند بعنوان اجاره معین کنند عرش باشد یک شد هرچه شد همان را برای اجاره آن آبها معین کنند
بنظر بند بترین کارها همین است که قیمت بنا و ساختمان و نسبت آب و ذمین و سایر جهات تمام منجیده شود آنوقت مالبات وضع هود این است که همین طور هم پیشنهاد کردہ ام و این این مالبات فلسفه نداره که تمام یک هشت بدهند بالخلافاتی که در آبها مشاهده میشود
رؤیسی — آقای میرزا ابراهیم

آقا میرزا ابراهیم قمی —
اینکه شاهزاده فرمودند که بعضی اسبابها
دویست تومان خرج دارد ظاهرا اشتباه
فرمودند زیرا تنها سیصد تومان سنای آن
رامیدهند .

اما اینکه فرمودند ممکن است
اراضی آن خبلی گران باشد اراضی
دهات نوعاً جریبی پیست تومان است دولت
پیست تومان زمین می‌دهد و دو هزار تومان
خرج بناء آسیا می‌شود آنوقت دولت دو
هشت بیرون و صاحب آسیا هشت هشت هشت این
هیچ تناسب ندارد و بنده معتقدم که باید
در این خصوص تناسب ملاحظه بشود والا بعد
از این هیچکس نمیرد پوشش را در مالک دولت
پریزد و آسیا بسازد

رئیسی - آفای اقبال اسلطان (اجازہ)

اقبال السلطان - در اطراف این

دوسه ماده واقعه یک مذاکراتی می شود
که اسباب تعجب است گاهی از زیادی
خرج فریاد می کنند گاهی از زیادی وضع
مالیات شکایت دارند اول باید فرمود که
معمول مملکت چیست؟ اگر هقبده آقایان
آن است که دولت حقه خودش را داشتند

اینکه فعلاً که برف روی زمین است حق-
المرتع و آب یولی ازانو میل وغیره معنی
ندارد و اگر مجلس صلاح می داند گرفته
نشود نواقل را هم نمی دانم یعنی توصیب
مجلس تصویب کرده یا نه و در چه فامیله
باشد بکبرند چون از این شهر با آن شهر در
سه چهار چا یول نواقل می گیرند بنده
خواهش می کنم برای رفاه حال مردمی که
از این راه می روند دولت یک عطف نظاری
بگذند که آن بیچارهها راحت باشند و آن
های را هم که متعلق برآه شویه است
اشاه الله ازو ذپر فوائد عامه سوال خواهم
کرد و با نوشته جانی که به رو ساه دوایر
دارم تمام را مدلل میدارم
وزیر مالیه - مالیات های بکه بعنوان
نواقل گرفته اند به صرف بلندی شهرها می
رسد اما هوا رضی که در راه ها گرفته اند
بعنوان آب یولی و پته دلای اطلاع ندارم
حقیق می کنم جوابش را در جلسه آنها
ارض میگنم

رفعت الدوّله ~ پسنده می دانم
مالبات نوافل برای مصرف بلدبه شهر است
ولی آفایانی که از این راه رفتند می دانند
که کنگاور یک شهری نیست و در آنجا این
بول را می گیرند اند آبادهم یک خرابه
است که باید جفده بوم در آنجا زندگی کند
وبنده غیر از تابلو ادارات در آنجا هیچی
ندایدم و یک چیز هائی دیدم که اگر هر چیز کنم
خوبی مرضی که است

رئیس - آفای وقار الملک راجع
به ایاتی که سردار اقدس باید به هندرسون
راشند.

وقار الملک — هر رض می کنم
مدت هشت سال است که آفای سردار اقدس
مالیات خودش را نادیه نکرده است و به عویق
انداخته و در مقابل یک مالیات گزافی که
نهمیل اهالی هربستان می شود فقط هشتاد
هزار تومان سردار اقدس باید بدهد تقریباً
می و دو هزار تومان از این هشتاد هزار تومان
هم موافق مسنهدهیں خود سردار اقدس
ست و در سال بیش از پنجاه هزار تومان
دولت نادیه نمی شود با وجود این در مدت
هشت سال دیناری بدولت نادیه نشده این
را جم بمالیات مسنهقم هربستان بود راجع
مالیات فیر مسنهقم هم بعضی هر این دارم که

مد هر ض خواه م کرد
وزیر مالیه - چون مسپو ق نیستم
د جلسه آئیه جواب هر ض خواه م کرد
رئیس - آفای شیخ الاسلام
صفهانی از آفای وزیر عدلیه سوالی
ارند .

شیخ الاسلام - بنده ابتدا خدمت
فایان نذکر می دهم که خدمت آفای
لامی ارادتی ندارم و در تمام عمرم هم
خدمت آفای امیر کبیر نرسیده ام و آفای
رزاعلی محمدخان منفرد راهم نمی شناسم

حاضر است که امضاء هم ندارد میخواهد
تقدیم کنم در اسد آباد بعنوان اعطایی یک
بولی میگیرند که تو شب اینجا مانده و مالت
محفوظ مانده باید فلان مبلغ بدھی آنهم
متفاوت است اگر فقیر باشد بکفران میگیرند
واگر غنی باشد هیچ نمیبدھند بنده آنها
بودم و دیدم گرفتند ولی خودم ندادم و
گفتم این بول مصوبه مجلس نوشت باز در
اسد آباد بعنوان توافق از کاری هزار تومان و دو
آوردنده کرایه میدادند شاهی میگرفتند
امروز این مسجل شده که از هر قاطر و شتری
قرآن در صور تیکه ناهمدان شش فرسخ فاصله
است نمی دانم باید دوجا نوافل بدهند و
آیا برای نوافل یک خصوصیاتی و یک مسافتی
معلوم شده است یاخیر ؟ ~~ست~~ در چقدر
فاصله بدهند ؟

چون اسد آباد شهر نیست بلکه بیاناتی
است که همچوی جائی ندارد و نمی شود همچوی
ناظم بفاتی در او کرد کنگاور بفاصله چهار
فرسخ تا اسد آباد باز نو اقل چهار فران
بلکه عباسی کرمانشاهان پول پنه و دلایل در
قدیم دلایلها می آمدند و بلکه مالی می
دو فران از الاغ بلکه فران از گادی ۱۰
فران می گیرند و در حقیقت از ورود خروج
مال بکرمانشاهان ماهی پنجاه هزار تومان
افلاک گرفته می شود در ماهی دشت مفتش دلایل
بکفران که به بینند در کرمانشاهان این
مالیات را گرفته اند یا نه اگر گرفته شود
بلکه فران می گیرد و اگر نگرفته اند سه
مقابل جریمه می گیرند
دو کرند تومانی صد دینار با اسم معارف

گیزند در پل ذهاب حق المرتع ازانو مبیل
زگاری از مال هر چه بشود چون در سایق
آنها مرتعی بوده متعلق بدولت که گوسفند
رمال وغیره در آنها چرا می کردند و یک
بیزی از آنها می گرفته اند حالا هم که بلکه
ذرع برف روی زمین بود زنجیر کشیده
بودند و از اتو مبیل دمال وغیره حق المرتع
گرفتند
بنده مخصوصاً گفتتم بس خوب است
غلا عنوان این قبض را تغییر بدهید زیرا
سباب افتضاح مالبه است که از اتو مبیل
حق المرتع بگیرند این راهم نمی دانم مصوبه
کجاست .
وزیر مالیه . حق المرتع چه در
وده ؟

رفعت الدوّله - چهار قران و ده
امی از کالسکه که خودم سوار بودم گرفتم
اتومبیل چون بندۀ سوار نمی‌شوم نمی‌
انم چند رکر فتنه ولی کوپا دونومن گرفته
شند نصر باز نوافل چهار قران و پلک
باشی بوده پنهان دلالی بازده قران صورتی
گاری چیان مهوراً داده اند و خپله
صل است که تمام آن راجع بوزارت مالیه
است راجع بوزارت داخله و وزارت فوانی
سامه است آنچه که راجع بوزارت مالیه
ده تقریباً هر ض کردم حالاً کر این هوا پید
جیب دولت میرود باید معلوم شود برای

اسدالله فرمودند ملتها ده سال و بیست سال
می گذرد بلک بعیندی میشود تئوره اش
خوب می شود خرج دبکری ندارد وابن
صدی سی کفایت میکند واگر پیشتر از این
ملاحظه شود برای دولت ضرردارد
رؤیس - مذاکرات کافی است؟
(کفتند بله)
رؤیس - ماده پنجم قرائت می شود
(بهمدون آنی قرائت شد)
ماده پنجم - مقصود از آب وزمین
حاله که در مواد فوق ذکر شود آب و
زمینی است که در تصرف دولت باشد و
حالات انتقالی را که در حکم املاک اداری
است شامل نمیشود
رؤیس - مخالفی نیست؟
حاج هیر زاعلی محمد دولت آبادی
بنده در این موضوع پیشنهادی کرده بودم
رؤیس - پیشنهاد آفای دولت آبادی
قرائت میشود
(بهمدون ذیل قرائت شد)

پنده پیشنهاد مینمایم ماده پنجم اینطور
نوشته شود تا ماده پنجم- مقصود از آب و
زمین خالصه که در مواد فوق ذکر شده آب
رزمهنی است که در نصرف دولت باشد و
حالات انتقالی که در حکم املاک اربابی
ست و گلبه طاحونه هائی که از نهر های
اربابی رودخانه ها و فاضل آنها مشروب
باشد شامل نمیشود
و نیز- ارسال میشود به گهیون و
دور اول تمام شد رأی میگیریم داخل در
ور ثانی بشویم یا خیر؟ آفایا بکه تصویب
یکنند شورثانوی بشود قیام بفرمایند

(اکثر نهایندگان قیام نمودند)
رئیس- پنده فقره سوال از آفایان
وزراء بشود آفای رفعت‌الدوله سوال از
آفای وزیر مالیه دارند
رفعت‌الدوله- بنده از آفای وزیر
لبه سوال مبکنم از این وجوهاتی که به
ناوین مختلفه از همدان الی فخر گرفته
باشند اطلاع دارند یا خیر؟

وزیر مالیه است. از هم قبیل است
رفعت الدوّله. اگر اجازه می‌فرمایند
رض کنم این وجوهات بکه می‌گیرند غیر از
آن پولهایی است که مأمورین راه شویه
از سودان می‌گیرند اینها یک پولهایی است
که مأمورین مالیه می‌گیرند همدان از کاری
ار توان و دو قران (از مال و قاطر و شتر بازدار
د قران) مال خالی هفت صد دینار است آباد
نهاد آب بولی که از قافله که از آنجا عبور
گشته و شب می‌ماند می‌گیرند و قبض راهنم
گرفته و آوردہام و هیچ امضاء ندارد و معلوم
نمی‌شود این است!

در صورتیکه برف روی زمین است
مال و ادم پول آب میگیرند از هر آدمی
یک قران اگر بکشی بماند یک قران
بنج شب بماند بنج فران قبض رسدش هم

(اجازه)
 حاج شیخ اسدالله - آقای آقا
 سید یعقوب می فرمایند صدی سی برای
 مهارج کم است صدی چهل یا صدی پنجاه
 باید باشد بدون اینکه بفرمایند بعد از ساختن
 آسیا مخارج آن چه چیز است آسیا بک
 منگی محل حاجت دارد که بعد از پنج شش
 سال بتفاوت خورد می شود و باید عوض کرد
 و بک خرج بزرگی دارو و بک مبله آهن
 آهن و سنک هم چندان قیمت زیادی ندارد
 مخصوصاً طاویلی که نزدیک معدن سنک
 باشد پس در سه سال اگر صدی سی را یکصد
 و پنجاه تومان فرض کنیم در ظرف آن سه
 سال صد و پنجاه تومان منتهای خرجی است که
 برای بک آسیا ممکن است منظور گردد
 و دیگر آسیا خرجی ندارد فقط منگی است
 ممکن است بعد از چهار پنج سال یکصد و هشتاد
 محتاج بآن بشوند خوب است آقای آقا
 سید یعقوب که بفرمایند صدی سی کم است
 تو ضمیح می فرمودند برای چه کم است دیگر
 چه مهارجی دارد
 رئیس ... آقای حاج میرزا همیض محمد
 دولت آبادی

حاج هیر زا علیهم حمد — مطالیبی
که آفای حاج شیخ اسدالله فرمودند یک
قسمت راجع بسنک و نقری والات و ادوات
طاخونه است که از هر چهار زودتر صایع میشود
زیرا اگر طاخونه زیاد کار کند آن سنگی
که پنج سال کار میکند شاید در ظرف دو سال
از بین برود

اگر کم کار کنند هایدات آن بقدرتی
کم خواهد بود که هر قدر حساب کنیم مخارج
آن زیادتر از صد سی هایداتش خواهد شد
لکن قسمت از مخارج جراجم به لاروب طاحونه است
که هر طاحونه در سال مقداری مخارج لاروب
دارد و مبالغی مخارج بنامی و فیره دارد
رافل خرجی که برای پاک طاحونه می شود
صور کرد صدی پنجاه است و اینکه مبلغ هایند
مکن است بعض طاحونه ها در بعضی نقاط
رافع شوند که بواسطه نزدیک بودن به معدن
منک مخارجی کمتر شود یا آنکه در چاهه ای
رافع شود که بیشتر محل احتیاج های و
باشد

بنده هر ضعیفگشتم در وضع قانون باید
اعابت عموم را حسکرد یک با چند نقطه
نه صوصی را نمی‌شود مدرک قرار داد و
غلب طاحونها در سال بیشتر از صدی پنجه‌اه
ذرع دارد و بنابراین بنده هم مقیده‌ام این
ست که میزان صدی سی کم است و خوب است
فلا صدی پنجه‌اه منظور شود

رئیس - آفای رفتالدوله
(اجازه)

چطور می شود در مملکت ایران در مملکت
اسلام در مر کز هالم شبهه بگوئیم قوانین بر
خلاف موافق شرطی است
کجا می خود چنین چیزی را گفت
حتماً و حتماً باید قوانین با قوانین شرطی
معطاب است هنگامه منتهی بندۀ مصدق این معطاب است
نیستم قانون اساسی اشخاصی را برای این
کار معین کرده است که قوانین را با موافقین
شرطی تطبیق کند و مادام که اعضای آن
اشخاص در ذیل این قانون هست من حق
تر دید ندارم رس معطاب همین قانون اساسی
که حضر تمثیل هالی متولی باشند شدید
من این قانون را صحیح و معطاب با موافقین
شرطی دانم و غیر از این من وظیفه ندارم
و اینکه می فرماید آقایان مدرس و حاج
امام جمعه خوئی نوشته اند این معامله صحیح
است اینجا دو مطلب است که هیچ مر بوط
بهم نیست پسکی صحت در فساد و عدم فساد
این قانون است و همانطور که هر چند کرد
اینکه آقا نوشته اند و امضاه کرده اند که
این قانون صحیح و موافق موافقین شرطی
است مطلب دیگر راجح بصحت و عدم
صحت معامله است همچنان است آقایان
تصدق کرده باقاعدگان هم مصدق فرمایش
آقایان هستم که اساساً معامله صحیح
است .

هر مالکی حق دارد شرعاً و هر فاماً
خود را بهتر کس که بخواهد انتقال
پذیرد •

این مسئله همچنانج بذ کر نیست امریکای
از هم کسی کشف نکرده البته هر ما لکه حق
ارد ملک خودش را در حدود مالکیت و
اختیار خود بهر کس می خواهد انتقال دهد
س توسل به قتوای آفایان حاج امام جمهوری
جمهوری و مدرس در اینجا با بی مورد
ست *

بنده در بیکی از جلسات گذشته هر رض
گردم حالاهم تکرار می نمایم و آن این
است که ماده هفتم این کتابیجه یا قانون
گوید هبیج اداره دولتی و مقام رسمی
تواند حکم مسکنه عدلیه را تغییر بدهد
کر خود مسکنه که حکم داده است با
مسکنه بالاتر در موارد بیکه فانون معین کرد
ست یعنی ب مجرد اینکه حکمی از یک
حکم صادر شد و لو متکی به مدارک فلسط
شد آن حکم برای قوه اجرائیه واجب -

لایه را است و اگر بک فوه اجرائیه و یک
بر عدله پنهان شود و بواسطه اجتهاد خود
ن حکم را اجرا ننماید آن وزیر عدلیه و آن
ه اجرائیه برخلاف قانون رفتار کرده
ست (جمعی گفتهند صحیح است) قانون
تحویز کرده است مقداری از دارائی
سی را که نسبت با واده ای می شود توقیف
پند برای اینکه حق کسی از بین نرود
رأی اینکه بعد از آنکه پنده فرض از حملات
اد کشیدم و هر ضحال دادم هما کم بدایت

خان و موزا امیر را نمی‌شناسم بلکه چیزی
نمی‌شناسم و آن این است که حق مظلوم
باید گرفته شود و حکم محکمه باید مطاع
باشد.

**شیخ الاسلام۔ حکم اسلام ہم باید
بائند۔**

وزیر عدلیه - آفای دیس استدعا
می کنم نظم مجلس محفوظ بماند والابنده
نمی توانم جواب پدهم آفای نماینده محترم
سوالاتی از بنده کردند که بنده مجبورم
هم اینها را جواب پدهم اولا فرمودند
کتابچه ها بنده مجبورم که عرض کنم اینها
کتابچه ها نیست و قانون مملکت است و
قانون مملکت هم محترم است چه موافق
اراده جنابعالی باشد یعنی موافق اراده
جنابعالی نباشد و تا وقتی که اکثریت مجلس
شورای ملی از طرق مقرر آنرا نسخ نکند
قانون است پس من متابعت کتابچه نکردم ام
ومتابعت از قانون کردم و عرض می کنم که
تا وقتی که بنده در این مسند نشسته ام این
کتابچه که شاید برای بعضی وقایعه نداشته
باشد برای بنده محترم خواهد بود و فقط
و فقط چیزی که هادی من خواهد بوده می باشد
کتابچه بمقیده شما و همین قانون بمقیده بنده
است و راه دیگری هم من نمی توانم برود
ما فرمودند مطابق اصل دوم واصل بیست و
پنجم متم قانون اساسی اختیار قوانین منوط
به عدم مخالفت با موازین شرعی است .
بنده هم عرض می کنم این اصل معرز و
سلام و مقدس است و البته آنچیزی که فوق
آنون اساسی است و فوق آنچیزی است
که بنده و شما بگوئیم قانون آسمانی هاست
فوق همه اینهاست و من و شما که در دو
سلمان هستیم و هر دو بالسویه دلیل وزیر قانون
حمد بن عبد الله خاتم النبیین هستیم می دانیم
آنون شرع فوق تمام قوانین است ولی
یا من و شما اختیار حکم بت این کار را داده
دعا

تطبیق فوازین با موافقین در هیه با کسی
نمی‌گذشت؟ همان قانون اساسی طراز معین کرده
که ممکن است این پنجاه و نه هلماه که در مجلس
و اهوند بودا گر کفته‌ند فلان قانون قانون مطابق
با این شرایط است من دیگر مکلف نیستم
وظیفه ام این است که آن قانون را مطابق
مع انور به اینجا وقتی که خلاف آن صادر
شود ولی مدام که من می‌بینم در آخر کتابچه
ضایی دونفر از علمائی که در آن موقع جزو
مای طراز اول بوده اند یعنی مکلف
تطبیق فوازین با موافقین شرایط بوده
نمی‌گذشت دیگر حق تردید ندارم و نمی‌نمی
آنیم اینها در آن بگذرم و مدام که آن
ما بیان این قانون را تصدیق کرده‌اند که
مالفت با شرع مقدس ندارد من مکلف
نمی‌گذرم این قانون موافق شرع است
و اینکه جناب مستطیاب عالی بگویند این
قانون موافق شرع نبست من تهمجوب بگذرم

پیکنفر اشتباه نمی‌گند خلاصه: منظور بندۀ اینها نبود عنان حرف از دستم بسدر رفت. مطالبی که دارم این است مطابق اصل دوم هفتم فانون اساسی که می‌گویند هر فانونی

که مخالفت با قوانین مقدسه اسلام داشته باشد بحث رسمیت پیدا نمی کند آقای حاج امام جمعه خوزئی و آقای مدرس هم که شریاث در تدوین این کتابچه ها بودند این شرح را نوشته اند که الان قراءه می کنم.

زیدی ادعایی بعمر وی داشت و بعد از نظریم نمود عدایه در مقابل ادعای زید ملک عمر را توپنجه نمود و حکم می نمایند عمر و ملک خود را نفر و شد تا محاکمه و دعوای زید خاتمه پیدا کند و بعد از مدتی شخص بدون سابقه آن ملک را از عمر و بیش قطعی مریده و وجه آنرا تمام یردانسته است و آن ا تصرف کرده مرقوم بفرمائید این معامله صحیح است یا خیر؟

آقای مدرس نوشت: اند معامله شرعاً
صحیح است آقای خوئی هم نوشت: اند معامله
مطابقه صلح است شرعاً بلکن حکم از
ذرا عارض جلیله عدایه صادر شده که این است
آقای حسنعلی خان املاک ذیل را در تاریخ
جم ذی قعده برای تامین مطالبات آقابان
برزا علی مخدوم خان و معزز الملک از حضرت
شرف والا شاهزاده امیر کبیر توافق شود
س از آن از طرف معنایم له بدون رجوع
ذرا عارض عدایه املاک مزبوره فروخته شود
لدر بایشکه اقدام پیشین امری مخالف بمقصود
۳۸۰ و ماده ۴۸۶ و ماده ۴۸۷ قانون
مول معاکمات حقوقی بوده است حسب الامر
ام منبع وزارت جلیله عدایه باید مطابق
کنم معکمه تعت توافق در آید و مالک
لی املاک مزبوره منوع از مداخله در
ها باشد مگر آنکه فروخته .. باقی این
کنم دخلی بمنظیب بنده ندارد و سؤال بنده
آقای وزیر عدایه این است

در دور تیکه مطابق اصل دوم و اصل
ت و هفتم متمم فانونی که برخلاف فانون
اسلام باشد سمت فانونیت پیدا نمایند
صور تیکه آفای مدرس و آفای حاج
م جمهور خوئی هم صفت معامله این اعلان
و شهادت این حکم وزارت عدلیه مطابق
فانونی بود و چگونه ملک متصرفی را
معامله او بروجه صفت بود مالک را از
خله در ملک خود مینواع داشته اند

وزیر عدلیه — واقعه من خوبی
ورم که مجلس شورای اسلامی وعده‌ها را مینه کان
قب حفظ حقوق شاهزاده کامران میرزا
لام هستند که ...

شیخ الاسلام - خیراء بن علور نیست

وزیر عدلیه - اجازه بدهید و مانع از خارج شدن سعن از دست چنابعالی ممنوع است بنده هم خارج بشود . بنده هم مرانع میرزا و اسلامی و میرزا علی مجهود

فقط یک زمینه بدست آورده ام از برای تحقیب مشی می‌باشد خودم این است که از آفای وزیر محترم عدایه سوالمندی کنم اسلام هم ازت پدر بنده نیست و ازت پدر هیچ حکم نیست ولی هر کس باشانی از احکام مقدس اسلام بگند و قوانین مقدسه اسلام را حفظ کنند البته خداوند در دنیا و آخرت او را اعزیز و معترم خواهد داشت حکم احترام نصرف هم از احکام مختصه اسلام نیست و در تمام مذاهب و ادیان تصرف معترم است و از احکام اولیه و طبیعی است و اگر پنج دقیقه این حکم از دنیا برداشته شود شاید مستلزم قتل میلوانها نفوس بشود این کتابچه را هم بنده کار ندارم که قانون هست یا نیست (اشاره به قوانین عدایه) مطابق قوانین اسلام است یا نیست اگرچه بعقیده بنده اینها قانون نیست . قانون باید از مجلس شورای ملی بگذرد و من حيث المجموع هم این کتابچه‌ها مخالف است با ضروریات دین اسلام و این کتابچه‌هاهم مفتاح ووسیله امر معروف و نهی منکر نیست امر و نهی تحقیق و تفتيش ندارد و امور عدایه از اول تا آخر حکایت تحقیق و تفتيش است . پس بعض اینکه یک نفر گفت در فلان خانه مشروب هست ساز هست قمار هست اگر نردبان گذاشتند و از دیوار خانه مردم بالا رفتند و داخل خانه مردم شدند و تحقیق و تفتيش کردند فعل حرام را مرتب شده‌اند همین طور است وقتیکه حسن بگوید من ده و مان از حسین می‌خواهم اگر حسین را تحقیق کردند و به حدود آزادی او لطفه وارد آوردند فعل حرام کردند اندادعا کمه می‌خواهد . معا کمه قاضی می‌خواهد قاضی شروع دارد اگر قاضی کم داریم باید تدارک کنیم در مورد حقوق یک قرآن یعنی میلیون صدمیلیون هیچ تفاوت ندارد امر معروف و نهی از منکر کاغذ سبز و سفید و قرمز ندارد در هیچ کتاب فقه می‌آوردم هر کس مذهبی است چنین مسئله در کتب فقهی هست به بنده نشان بدهد اختلاف مذهب هم در قرآن نیست احکام مقدس اسلام هم طوری بر جسته و شفاف است که اگر فرضیا فردا یک نفر از طهران تلمکراف بگند به واشنگتن و از یک آد کا یک مسئله قضائی اسلامی داشتند بعداز دوروز مطابق آنچه در شرح امعه و شرح کبیر نوشته شده جواب می‌دهد با این حال ممکن است یک نفر اشتباه بگذرد کس باشد آبا در صورتیکه از هزار نفر اهل خبره نه صد و نود و هشت نفر یا نه صد و نود و نه نفر یک کاری را نکند بکردند و یک نفر یادو نفر تصدیق کردند آیا آن یک نفر دو نفر اشتباه کردند با آن نه صد و نود و نه نفر و بعقیده بنده نه صد و نود و نه نفر در مقابل

و عربستان و لرستان و اصفهان و کردستان
و آذربایجان و خراسان و کرمانشاهان و
گیلان و مازندران همه جا هستند آیا این
املاک مال خود آنها است ؟ خیر مال فقراء
و ضعفا و بیچارگانی است که کمی میسر گردد
آنها را خلاص و این بیچاره ها کمی هستند
یکی در خانه همین غاصبین میتری میگند
آنها که خیلی محترم و طرف اهمیت هستند
شاید که خدا و خابط یک ده باشند این
قانون یکی حسنه حصینی است برای غاصبین
املاک مردم زیرا این فقراء نمی توانند از
این مال گذاشی که دارند چشم بپوشند و
و دارائی هم ندارند که عربضه بدهند و
معاد کمی کنند .

به لول گداها را میزد می گفتند چرا
گداها را اذیت می کنی می گفتمن کمک
بغدادمی کنم خدا اینها را زده است من هم
می ذنم .

حالاً این قانون‌هم نمود بالله کمک به
خدا می‌گذرد زیرا بواسطه آن حقوق تمام
فقراء و ضعفاء ایران که در دست غاصبین
است از میان خواهد رفت چهار ماه که سهل
است چهار سال‌هم که بگذرد نمی‌توانند حاضر
شوند و ممکن کمک کنند.

آن تکیه گاههای که سابقاً ملاکین برای خودشان درست کرده بودند خراب شد و ای حالا این قانون یک تکیه گاه خیلی عتیقه‌ای برای آنها می‌شود و آنقدر صبر نمی‌کنند چند سال پسندید اختیارات دولت در تمام زوایای مملکت معکوم شود که دولت بتواند مالات خود را سهولت بگیرد.

• طالب چهارم که بنتظر من این فاون
ایجاد میکند اینست که اصل ۱۶ میگوید
نمیتواند در دفتر امکانات . . .

وزیر عاملیه - املاک است
شیخ الاسلام - تصور کردم از این
الفاظ تازه است .

وزیر عدلیه — خیر قدیمی است
شیخ الاسلام — ثبت ملک در دفتر
املاک سند مالکیت اسی است که ملک بنام
او ثبت شده و دولت فقط اورا مالک رسمی
خواهد شناخت یا کسی را که بیکنی از جو ای
شرهی ملک با او منتقل و سنه انتقال آن نیز
در دفتر املاک ثبت شده باشد یا این که
از مالک رسمی بارث با او رسیده باشد و ماده
صه و هفدهم می تویسد ثبت حقوق در دفتر
ثبت املاک سند رسمی حقانیت صاحبان
حقوق مزبور است اعم از این که در ضمن
ثبت خود ملک یا علمی عده ثبت شده باشد هر
حقی که در دفتر املاک ثبت شده باشد رسمیست
با ان داده نمی شود .

مالکیت منافع و حقوق راجعه به آن
مثل مورد اجاره مزارعه خارج از حکم این
داده است .

ماده صد و نوزدهم میگوید؛ پس از ثبت ملک دعاوی راجع بسقوط حقی راجع

خارج نصدیق کرد ناقض قانون نمی شود
تصدیق آفایان نسبت باین قانون و نسبت
بعضیت این معامله هردو محترم است ولی
ناقض قانون نمی شود و اینها را باید از
یکدیگر تفکیک کرد اما اینکه بنده جواب
را مفصل عرض کردم برای این بود که نمیتوانم
باش: ششم باک قانونی را بگویند کتابچه و
برخلاف موادین شرعیه است و احتراض
نکنم و دیگر اینکه شما هم مفصل سؤال
فرمودید ممکن است برای امتحان یکدفعه
دیگر مختصر سؤال بفرمائید تا بنده هم جواب
مختصر بدهم فرمودید تصرف محترم است
ولی آیا تصرف کسی که بالصرایح حق
تصرف ندارد محترم است ؟ آیا تصرف
کسی که عبای مرد را برداشته محترم است
خیر این شخص متصروف نیست بلکه غاصب
است .

رئیس - آفای سانریزاده راجع
به عدید خواهان سوال داشتند.

وزیر عالیه -- آقای شیخ الاسلام
یک سؤال دیگری هم از بنده داشته جون
بنده می خواهم مرخص شوم اگر اجازه
فرمایند سوالشان را بفرمایند
شیخ الاسلام درجه ۱ بعد سؤال

وزیر خلیلیه - بنده برای جواب
حضرم
شیخ الاسلام - می فرمائید سوال
حکم .
رئیس - بفرمائید

شیخ‌الاسلام - این مطلب را همه آفایان تصدیق می‌کنند خشت اول که کچ شد دیوار کج می‌شود فوانین قضائی از مجلس شورای اسلامی دخت بر بسته و به یک کمیسیون هشت نفری رفت و با اینکه الان هشتاد نفر از نماینده‌گان محترم در مرکز تئوریف دارند عنقریب در میدان توپخانه پیش‌ها فریاد می‌زنند (قانون عدالتی مصوب مجلس شورای اسلامی) در صورتی که روح این هشتاد نفر نماینده از آن قانون اطلاع ندارد این است که بنده هم مجبور شدم بعضی مطالب را سوال کنم این قانون ثبت اسناد و املاء را بنده بدقت خواهند و بنظر بنده چهار مطلب را بطور قطع این قانون ایجاد کرده است اولاً یک مخارج هنگفت از برای دولت دوم ندارک کار برای یکمده بیکار که فردا هر کسی برود اینگوشه و آن گوشی یک کاغذ کهنه پیدا کند و در آن دفتر ثبت کند بعد حکایت مرانه و معما که وغیره تولید بشود . مطلب سوم تضییم

حقوق تمام فقراء و ضعفاء است که در املاک ایران هستند و همه می‌دانیم که در این مملکت ملاک‌گوینی هستند که هر پک بانداز، خاک مملکت بازیک املاک و اراضی در تصرف دارند از بوشهر تا شیراز

خیر اینطور نیست وظیفه بندهم اجرای حکم محکمه است و بخلافه باید بگویم در همان موقعی که شنیده شده است شاهزاده امیر کبیر مشغول معامله بالاسلامی بوده وزارت عدلیه در روزنامه اعلان کرده است که برآنید این املاک در توقیف عدلیه است معامله نکنید در صورتیکه در مالک متهمه

لازم است این اصل
سلام باشد و توصل بعدم اعلام از قوانین
بچوکت مسموع نیست و شما مکلف هستید
قوانین مملکتی را بدانید و اگر ندانید
قیصر کردید باید پس بالاخره اسلامی زیابید
نسبت باهلاکی که بر طبق قانون و حکم
محکمه توقيف شده معامله بکند حالات
قانون خوبست یا بد بنده شخصا حق دارم
بنده بکنم و یک قانونی را بد بدم ولی
مکلف باجرایش هستم و مدام که از طرق
مقرره قانونی نسخ نشده باید آن را اجراء
نمایم حالا بر طبق همین قانون این املاک
در تحت توقيف عدله است نه بشاهزاده
کامران میرزا داده می شود نه با اسلامی تا
وقتی که تکلیف هارضیون هم شود و
فارسیش این است که دوسراست و یک کلام
و بالاخره باید یکی از این سرها بی کلام

شما هی فرمایید سر اسلامی باید با
کلام بنشد بنده عرض می کنم سر میرزا
علی محمد خان باید با کلام بنشد زیرا میرزا
علی محمد خان قانوناً حق او اولیت دارد و
دوازده سال است فریاد او در این مملکت
بنده است و گوش هم را کر کرده و بعده پنه
بنده اگر کسی دوازده سال تعددی بینند و
هارض شود بالاخره باید سر آن بدیخت با
کلام بشد و آن بدیخت مستحق تراز اسلامی
است بعلاوه سؤال کردن برای اطلاع از
یک قضیه است مکرر سؤال فرموده اید و
بنده هم جواب داده ام و بالاخره خود را
محق می دانم قانون را اجرا کنم و هر یک
از نهایند گان نظر بنده را تهدیق نمی کنند
قانون را معین کرده راهش استیضاح و
اطیار عدم اعتماد است و بنده در این باب
تفیره قیده نمی دهم

شیخ‌الاسلام — اجازه بفرمانید
رئیس بفرمانید .

شیخ‌الاسلام — آفای وزیر هدایه
قدزی اهانت بینده کردند و قدری هم فریاد
زدند و بنده جواب خود را نفهمیدم هرچه
بنده این بود که در صورتی که تصرف مترم
است و این دونفر که شما با جهاد ایشان
تصدیق دارید صحت این معامله را تصدیق
کرده‌اند آیا چه بیش آمده است که مالک
متصرف را توقيف کرده‌اید ؟ بنده کاری
با اسلامی و امیر کبیر ندارم بنده اسلام را
می‌شناسم و کارم با اسلام است

وزیر عدلیه — علمتش را عرض
کردم آفایان البته صلاحیت تصدیق را
دارند ولی بالآخره اگر بیک چیزی را در

واستیناف و تمیز رفتم و آنوقت مدهی من
به بینه عنقریب محکوم به بی حقی خواهد
شد نتواند تمام املا کش را بفروشد و متکی
به المفلس فی امان الله بشود و تمام زحمات و
خسارات بندی از بین بروند قانون برای
حفظ جامعه و حفظ نظام یک اصولی را مقرر
می دارد ولوایت که برخلاف آزادی شخصی
است ولی فقط نظام جامعه سلب آزادی
شخصی را الزام می نماید و بکی از آن اصول
ابن است که در موقعی که کسی تفاهی
تأمین مدعایه بنماید می کند هدایه حق دارد
یک قسمت از دارائی منقول یا غیر منقول
کسی را برای طلب مدهی توقيف بگند که
قبل از ختم محاکمه و دعوا این دارائی
فروخته شود و بدیگری انتقال نیابد تاده وی
خاتمه پیدا کند البته ملک مال شما است ولی
برای اینکه نایاب بعد از مدهی یک حقی در
دارائی شما پیدا کند موقع تأملک شما توقيف
می شود تا تکلیف معین شود .

اگر شما مهکوم شدید چون بایند از داراییتان بدھید آنرا مو فروشند و در مقابل دین شما می دهند و اگر شما مهکوم نشدید ملک مال شما است و این توقيف مو قتی برداشته می شود آنوقت می خواهید بفروشید می خواهید بسوزانید هر کار می خواهد بکنید این مسئله منطقی و عقلانی است و حالاهم همینجا بور رفتار شده است یعنی از طرف مهکمه حکم توقيف املاک امیر کبیر صادر و بطريق هم ابلاغ شده است زیرا و قبل ایشان قرار مهکمه را رویت نوشته و گفته است استیناف خواهم داد ولی استیناف نداده یعنی بک حقی از خود یامو کل خود سلب کرده که باز میتوان آن نهاده توجه مهکمه عذریه و نه توجه وزیر عدایه است توجه خود ایشان می باشد با اینکه خود ایشان عملا منصرف شده اند این مر بوط با عمل بنده نیست زیرا از موقعي که برای استیناف معین شده استفاده نکرده و استیناف نداده است عدایه هم حق انتقال ملک را بدیگری موقیه توقيف کرده حتی اینکه یکی از مواد قانون ما این است که اگر کسی دو خانه متساوی القیمه داشته باشد و یکی از آنها را مهکمه برای تأمین مدعی به توقيف کرده باشد اگر بخواهد خانه دیگر را با آن خانه تبدیل نماید باید بارضایت مدعی باشد اگرچه در بادی نظر ممکن است این مسئله بتو اهمیت بنظر می آید ولی قانون ما می گوید تبدیل این خانه با آن خانه بدون رضایت مدعی ممکن نیست بعلاوه اگر بعد از توقيف کسی حق فروش و انتقال دارایی خود را داشته باشند دیگر هیچ منطقی برای توقيف باقی نمی ماند و آنوقت باید تمام مواد قانون را که راجع به تأمین مدهی به است دورانداقت . امروز ملک حسن آباد بنده را توقيف می کنند فروش فردا حسین آباد را همینطور و بالآخر معلوم می شود بلکه شوخی از طرف مهکمه می شود

می کنم این مسوده بست و لایعه قانونی است و آنرا امضاء کرده ام و البته معتقد هم بوده ام

رئیس - جون روز شنبه مصارف با ولادت حضرت خامس آل هبا (۴) است جمله روز یکشنبه سه ساعت پغروب مانده و دستورهم قانون منع صدور یوست برخواهد بود

(بعضی تقاضا نمودند جاسه آتیه سه شنبه باشد)

رئیس - عده برای رأی گرفتن کافی نیست روز یکشنبه خواهد بود

وزیر عدالیه - نظر باینکه تفسیر اصل هفتاد و نهم قانون اساسی فوق العاده محل احتیاج است و لایعه اش هم تقدیم مجلس شورای ملی شده و امروز هم شنیدم طبع و توزیع شده است از آفایان اعضاء کمیسیون عدالیه استدعا کردم هصریکشنبه کمیسیون زرا منعقد گشته بلکه رایورت آن صادر شده حالا که جلسه را برای روز یکشنبه مین فرمودید استدعا می کنم مقرر فرمائید موقع دیگری کمیسیون عدالیه منعقد شده بلکه روز یکشنبه آنیه تفسیر اصل هفتاد و نهم در مجلس مطرح شده که بر طبق آن ماده بتوابیم قانون هیئت منصبه را تقدیم کنیم

رئیس - ممکن است کمیسیون عدالیه صبح یکشنبه منعقد شود

وزیر عدالیه - مزاحمت با کمیسیون بوده خواهد کرد اگر روز دوشنبه باشد بیقر است

رئیس - ممکن است برای شب دو شنبه منعقد شود

(مجلس دو ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

جلسه هشتاد و چهارم

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه چهارم شهریور ۱۳۴۰ مطابق دوازدهم حمل ۱۲۰۱

مجلس تقریبا دو ساعت و نیم قبل از غروب بریاست آفای مؤمن‌الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم یکشنبه نهم حمل ۱۲۰۱ فرایند شد

رئیس - گویا نسبت بصورت مجلس ابرادی باشد آفای شیخ‌الاسلام اصفهانی (آهازه)

شیخ‌الاسلام - آفای وزیر عدالیه در جواب بینه دو مرتبه تصریح فرمودند که در مقابل قانون نسبت اسناد حکم شرعی یک‌نیزه می‌شود و اینجا بطور غیر قطعی نوشته شده است

دبیس - دو مرتبه فرایند می‌شود کمان نه کنم دو اینجا مجهول نوشته شده باشد

(مجدداً جواب آفای وزیر عدالیه فرایند شد)

که در این قانون شرایط دستوراتی برای ثبت معین شده و باید آن عمل شده اگر کسی ادعایی دارد در مدتی که در این قانون معین شده و بعد کافی است می‌تواند اعراض کند و اگر چنان‌حالی این مدت را کم می‌داند مربوط بسؤال از بنده نیست شما وکیل هستید و حق انشاء قانون را دارید به کمیسیون عدالیه پیشنهاد بفرمایند این مدت چهارماه که برای پذیرفتن مشکایات لازم است کم است و باید هشت ماه بشود با سه مقابل بیشود بعلاوه گمان می‌کنم ماده ۱۱۹ جواب چنان‌حالی را می‌دهد اگر در ضمن ثبت تزویر و تقلیب شده باشد ذلان و فلان می‌شود اگر از محضر شهر حکم بر حفایت شخص دیگری صادر شده باشد لاید شخص اولی از روی تقلب و تزویر آن مسد را ثبت کرد حاکم شرع که بدون مدرک حکم نمی‌دهد حاکم شرع مدارک را دیده و حکم بن داده است طرف هم که نوشتجاش ثبت شده لاید متوجه تزویر و تقلب شده که این معامله را ثبت کرده آن وقت بر طبق این ماده بمحکمه هر ضمیح می‌دهد و مذاک را از دست او می‌گیرد و به تصرف مالک می‌دهند زیرا که ملکیت او هم بر حسب حکم مجتهد محترم شده است

شیخ‌الاسلام - آفای وزیر عدالیه فرمودند کمیسیون عدالیه پیشنهاد بفرمایند که از حضر تعالی اصلاح خواهد شد و لازم نیست در میدان توپخانه از قانون عدالیه خبر بین کبید در خود مجلس شورای اسلامی ممکن است مستحضر باشید و دیگر اینکه سه جهار فقره ایراد فرمودید که این قانون برای ایجاد مخارج هنگفت و بیندازند کار برای ایجاد بینه باز سؤال را تکرار می‌کنند، مقصود اصل دوم و اصل بیست و هفتم قانون اساسی است که می‌گوید هر قانونی که مخالفت با قوانین مقدسه اسلام داشته باشد اگر تمام نقلین آرای اعضاء گفته باشد همان نخواهد شد می‌خواهم از آفای وزیر عدالیه سؤال کنم که در صورتی که این قانون که مجلس تقدیم کرده‌اند مجری شد ملکی هم ثبت شد آنوقت اگر زیبد یا عمر و یا بندیه یک‌حکم قطعی ایکنون حاکم شرع که مصادق حقیقی مومن امتحن اللہ قلب لا یعنی باشد آوردیم آیا در مقابل آن ثبت یک‌نیزه می‌شود یا خیر و در صورتی که دولت برخلاف حق بگوید من نمی‌خواهم این حکم شرعی را جاری کنم اگر صاحب حکم خودش برود آن حکم را بوضع اجرا بگذارد دولت مزاحمت با خواهد کرد یا خیر

و زیر عدالیه یک‌قسمت از سؤال آنایی شیخ‌الاسلام متوجه رأی گذشته مجلس بود این قسمت مربوط بعمل من نیست من باید دادخواه از آفای مملکت کار بیندازند این البته نیت از خواهی ایکنون عدالیه بگذرد قانون است حالا غلط بود یا صحیح بینه نمیدانم اکثریت قریب باتفاق رأی داد و در این خصوص هر اعراضی بشود متوجه بینه نخواهد بود فقط چیزی که در سؤال ایشان برای

بنده غیر روش ماند این بود که در سؤال اول نماینده مختار مدافع تصرف بودند و بعد در سؤال دوم اعراضی بفرمودند که در تصرف داشتند زیرا در سؤال اول فرمودند شرعاً دست تصرف قوی و مختار است در سؤال دوم بر تصرفات اعراضی کردند سؤال من کنم آیا در یک مورد بخصوص دو مقدیه باید داشت که هر دو با یک‌یک‌مرتضی باشد ؟ حالا از این مطلب می‌گذریم .

آن مملک در محاکم عدالیه از کسی یک‌نیزه نخواهد شد .

ولی اگر در ضمن ثبت تقلب و تزویری اعمال شده باشد اشخاصی که باین ترتیب متصرد شده‌اند می‌توانند بر علیه کسانی که اقامه دعوای نموده و یس از صدور حکم عدالیه هنر مصالحه هنر ملک را در صورتی که در تصرف تقلب گفته باشد و یا قیمت آن را بعلاوه خسارات وارد کنند هرگاه تقدیر از طرف مدیر ثبت اسناد و املاک بوده و مذهب مجبور قادر بجهان خسارات وارد نباشد اقامه دعوای ممکن است بر علیه دولت در محاکم عدالیه بعمل آید (بعضی گفتند این قانون هنوز تصویر نشده است) .

شیخ‌الاسلام - نامل فرماینده‌ین را که آفای وزیر عدالیه فرمودند و بر طبق عقیده شان ایستاده اند باید پس بگیرند، هر ضر کردم رفت و دیگر بمجلس نمی‌آید اگر ما کاری داریم باید حالا بگنیم ما دیگر در میدان توپخانه آنرا می‌بینیم بینه باز سؤال را تکرار می‌کنیم، مقصود اصل دوم و اصل بیست و هفتم قانون اساسی است که می‌گوید هر قانونی که مخالفت با قوانین مقدسه اسلام داشته باشد اگر تمام نداشته باشد هایدات ثبت اسناد برای تمام مخارج قضائی ما کافی باشند بینه برای خرج هنگفت ناسیس نشده برای حصول هایدات هنگفت است هیچ ضرر ندارد یک‌ملکی بینه کنیم که هم هایدی داشته باشد و هم اسیاب اعتبار معاملات باشد در خصوص تهیه کار برای بیکاران فرمایشی فرمودید بینه عرض می‌کنم وظیفه فرد فرموده است برای بیکاران مملکت کار بیندازند زیرا مملکت محتاج کار است تمام احوال مملکت فقیرند و وظیفه مجلس شورای ملی است کسی را که کار برای بیکاران تهیه می‌کند شد بملک تو ادعا دارم این دو مسئله ما نهایت تصدیق فرمودند که حکم شرعی یک‌نیزه است منظور بینه هم این بود که در نطق شریفان درج شود و بینه هم تمام این قانون را دوسره منتهی خواهد بود این ایجاد از سایر فوایدی است و اگرچه در مقابل قوانین اسلامی مثل آب در مقابل سر که ترش است ولی خوبی با احتیاط نوشته شده مقصودم اینکه بگویند بیان اخراج حاکم شرع حاضر شد بملک تو ادعا دارم این دو مسئله ما نهایت تصدیق فرمودند که حکم شرعی یک‌نیزه است منظور بینه هم این بود که در نطق شریفان درج شود و بینه هم تمام این قانون را دوسره منتهی خواهد بود این ایجاد از سایر فوایدی است و اگرچه در مقابل قوانین اسلامی مثل آب در مقابل سر که ترش است ولی خوبی با احتیاط نوشته شده مقصودم این است که وقتی یک ملکی ثبت شده باشد اگر کسی چنین حکمی بدهد این حکم مجری است یا خوبی باشند هم خشندند که فرمودند مجری است و در صورت شروع حکمی صادر شد آیا مطاع خواهد بود یا خوبی باشند این است البته همیشه البته بینه نمی‌دانم حضر تعالی فرست فرمودند این قانون را از سر تا آخر بخواهند یا خیره اگر از اول تا آخر خواهند باید ملاحظه فرموده باید

است) البتہ تصدیق می فرمائید ذبیح میش یا بی جوان که مستعد زایدین باشد خیلی اسباب ضرر و خسارت برای ارزاق عمومی است و اینکه فرمودند از کجا معلوم می شود که بز یا میش یا بی جوان است این مسئله خیلی اسباب تعجب است زیرا من تمام حیوانات را از دندانشان تمیز می دهند و اینکه فرمودند از کجا معلوم شود که گوستنده میوب است یا این هم معلوم است البتہ حیوانات را وقتی بخواهند ذبیح کفته به مسلح می آورند البتہ اشخاصی هستند که می شناسند هلت حیوانات را خصوصاً حالاً که دکتر هم برای این کار معین کردند و حیوانات را که ذبیح می شوند رسیدگی می کنند که مرضی نداشته باشد و آنها عیب گوستنده را کاملاً معلوم می کنند دیگر این که در این لایحه مخصوصاً قید شده است که بز یا میش جوانی که مستعد زایدین هستند ذبیح نجحتند والا آن حیوانات که پیرهستند یا میوب هستند ذبیح مانع ندارد که آن ها را بکشند بلاده جریمه هم برای این کار معین نشده است که مثلاً اگر کسی میش جوانی را که مستعد زایدین است بکشد فلاں قدر باید جریمه بدهد و چون جون ۴۰۰ هم معین نشده است که این می کنم چندان اشکالی نداشته باشد رئیس-آقای کازرونی (اجازه)

آقای هیرزا علی کازرونی -
بنده علاوه بر فرمایشی که آقاراجح به سجل احوال فرمودند هر چیزی که هر وقت مالک دکتر خانه های خیلی خوبی هدیم که بتوانند صحیحی امراض حیوانات را تشخیص بدهند و بفهمند که این بز یا میش مرضی دارد یا ندارد می زاید یا نمایزاید آن وقت می توام این لایحه را اجرا کنیم و گرنه بواسطه تصویب این لایحه فقط یک عدد مردم را تسلط می کنم بر فرقا و یک عدد مردم بی چاره ذمته کش و دولت هم بچگونه استفاده از این دامنی کند و در صورتی هم که جریمه و جزائی برای مرتکبین این عمل معین نشده باشد آن وقت این حکم برای یعنی هم امام خوب است که بدانند اگریک همچه کاری کردن متنده و عنده رسول در نزدودگان خود مستول خواهد شد بسیار خوب فرضنا برای کسی که بز یا میش جوان مستعد زایدین را ذبیح کرد در اینجا جریمه برای او معین نشده باشد ولی تصور برای میش در کسی که از طرف یک اداره چوبی در دستش باشد ممکن است از مرتكب این عمل جریمه ها بگیرد و ظلمها بمحکم و بالاخره چون در اینجا جزائی هم برای مرتكبین معین نشده است هیچ تعجب برای دولت نخواهد داشت بنده کمان نمی کنم که هبجهیک از آقایان نمایندگان مخالف منع بره کشی باشد در صورتی که یک داده علی تری ییدا شود ولی با این ترتیب

از گشتن میش یا بزی که شیر میدهد و هستن او میوب است یا صاحب آن مفلوک و از نگاهداری آی هاجز است جلو کپری گفتند به حال آقایانی حکم در ولایات زندگانی کرده اند و از زندگانی فرقا درست مستحضر نه مبدایند یک همه از رعایا هستند که می دونند از لرستان و کردستان میش یا بز پر و میوبی پیدا کرده بقیمت ارزانی بخشنده با زحمات زیادی انها را بیهوده اند چاق مفکنده و می بزنند بتفاطی که که در آن چاهه اگوش کمتر است می فروشند از این راه اعماشه می نمایند و حقیقتاً هم هواید آنها از هر گوستنده چهار یعنی قران بیشتر نیست فردا بس از گذشت این لایحه باید آن سه چهار قران عابدی را هم تقديم مأمورین دولت بنمایند رئیس ... آقای محمد هادم میرزا موافقند

محمد هاشم هیرزا - خبری
مخالف

رئیس - آقای سلطان العلماء
مخالفند

حجاج شیخ اسدالله - بلسی
مخالف

رئیس - آقای دولت آزادی
چطور

حجاج هیرزا علی محمد دولت
آبادی - بنده مخالف

رئیس - آقای اقبال السلطان
موافقند

اقبال السلطان - بنده موافقتم
رئیس - بفرمایند

اقبال السلطان - بنده از فرمایشات آقای نظام الدوله اینهادر فهمیدم که در

اسلسله مخالفي ندارند و مخالفات ایشان از این راه است که اجرای این لایحه و جلو کپری از کار بتوسط مأمورین مالیه اسباب زحمی مردم

خواهد بود اگر مقصود این است و آقای نظام الدوله باینجهت مخالفند یعنی ماید

کلیه مالیات های رالتو کنیم چرا که مأمورین مالیه بوظیه خود عمل نمیکنند چرا

اینها در کجا سن آنها را نیت کرده اند که معلوم شود فلاں بز یا میش

جوان است یا پیدا است به حال بنده این

مسئله را برای رعایا و فرقا خیلی اسباب

زحمت و بدینه میدانم و کمان میکنم یعنی از کل هشت این لایحه آن بدینه فرقای

بنوای که بخواهند از این راه امر از ماش

نایند فردا باید در شهرها و قصبات یعنی مبلغ تقاضی این مالیه نمایند نا اجازه

بدهد که گوستنده خود را بفروشند و

این مسئله مخالف دیانت و خلاف الناس

سلطون هی افسوس و اموالهم است

بنده همین مسئله را در کمیسون هم عرض

کردم ولی اعضاء کمیسون با بنده موافقت نکردند حالاً امدادوارم سکه مجلس شورای اسلامی باشند و اگر ما این کارا یعنی بهترین لایحه است که از طرف دولت به مجلس تقدیم شده است بجهت اینکه ما باید ارزاق عمومی را زیاد نکنیم و کاری نکنیم که نان و کوکت در دولت کمکت زیاد شود و اگر ما این کارا یعنی میکنم این لایحه است که تا بهار آنجهد دیگر دارند که وضع شده است جز یک ماده ایشان غیر مستحبی برای عمال دولت تهر دیگری از برای مملکت نداشته است و جز اسباب زحمت و ضرر برای یکمشت دهست فقیه یا ضرر دیگری را دارا نیست و فقط فرقا از این مقداری ندرنی هم که دارند در زندگانی خود دارند معروم می مانند و برای دولت هم نتیجه نخواهد داشت رئیس - آقای سلطان العلماء - بنده با کلیه این لایحه مخالف باینجهت که تا بهار آنجهد دیگر دارند این قبیل بیشنهادات و این قبیل فرانین که وضع شده است جز یک ماده ایشان غیر مستحبی برای عمال دولت تهر دیگری از برای مملکت نداشته است و جز اسباب زحمت و ضرر برای یکمشت دهست فقیه یا ضرر دیگری را دارا نیست و فقط فرقا از این مقداری ندرنی هم که دارند در زندگانی خود دارند معروم می مانند و برای دولت هم نتیجه نخواهد داشت رئیس - آقای سلطان العلماء مخالفند

رئیس - آقای کازرونی چطور

رئیس - آقای اقبال السلطان

رئیس - آقای عادالسلطنه

رئیس - آقای سید یعقوب - بنده موافقتم

آقای سید یعقوب - بفرمایند

آقای سید یعقوب - کمان میکنم این لایحه بهترین لایحه است که از طرف دولت به مجلس تقدیم شده است بجهت اینکه ما باید ارزاق عمومی را زیاد نکنیم و کاری نکنیم که نان و کوکت در دولت کمکت زیاد شود و اگر ما این کارا یعنی میکنم این لایحه است که تا بهار آنجهد دیگر دارند که وضع شده است جز یک ماده ایشان غیر مستحبی برای عمال دولت تهر دیگری از برای مملکت نداشته است و جز اسباب زحمت و ضرر برای یکمشت دهست فقیه یا ضرر دیگری را دارا نیست و فقط فرقا از این مقداری ندرنی هم که دارند در زندگانی خود دارند معروم می مانند و برای دولت هم نتیجه نخواهد داشت رئیس - آقای سلطان العلماء - بنده با کلیه این لایحه مخالف باینجهت که تا بهار آنجهد دیگر دارند این قبیل بیشنهادات و این قبیل فرانین که وضع شده است جز یک ماده ایشان غیر مستحبی برای عمال دولت تهر دیگری از برای مملکت نداشته است و جز اسباب زحمت و ضرر برای یکمشت دهست فقیه یا ضرر دیگری را دارا نیست و فقط فرقا از این مقداری ندرنی هم که دارند در زندگانی خود دارند معروم می مانند و برای دولت هم نتیجه نخواهد داشت رئیس - آقای سلطان العلماء مخالفند

رئیس - آقای کازرونی چطور

رئیس - آقای اقبال السلطان

رئیس - آقای عادالسلطنه

رئیس - آقای سید یعقوب موافقند

آقای سید یعقوب - بنده موافقتم

آقای سید یعقوب - بفرمایند

آقای سید یعقوب - کمان میکنم این لایحه بهترین لایحه است که از طرف دولت به مجلس تقدیم شده است بجهت اینکه ما باید ارزاق عمومی را زیاد نکنیم و کاری نکنیم که نان و کوکت در دولت کمکت زیاد شود و اگر ما این کارا یعنی میکنم این لایحه است که تا بهار آنجهد دیگر دارند که وضع شده است جز یک ماده ایشان غیر مستحبی برای عمال دولت تهر دیگری از برای مملکت نداشته است و جز اسباب زحمت و ضرر برای یکمشت دهست فقیه یا ضرر دیگری را دارا نیست و فقط فرقا از این مقداری ندرنی هم که دارند در زندگانی خود دارند معروم می مانند و برای دولت هم نتیجه نخواهد داشت رئیس - آقای سلطان العلماء - بنده با کلیه این لایحه مخالف باینجهت که تا بهار آنجهد دیگر دارند این قبیل بیشنهادات و این قبیل فرانین که وضع شده است جز یک ماده ایشان غیر مستحبی برای عمال دولت تهر دیگری از برای مملکت نداشته است و جز اسباب زحمت و ضرر برای یکمشت دهست فقیه یا ضرر دیگری را دارا نیست و فقط فرقا از این مقداری ندرنی هم که دارند در زندگانی خود دارند معروم می مانند و برای دولت هم نتیجه نخواهد داشت رئیس - آقای سلطان العلماء مخالفند

رئیس - آقای کازرونی چطور

رئیس - آقای اقبال السلطان

رئیس - آقای عادالسلطنه

رئیس - آقای سید یعقوب موافقند

آقای سید یعقوب - بنده موافقتم

آقای سید یعقوب - بفرمایند

آقای سید یعقوب - کمان میکنم این لایحه بهترین لایحه است که از طرف دولت به مجلس تقدیم شده است بجهت اینکه ما باید ارزاق عمومی را زیاد نکنیم و کاری نکنیم که نان و کوکت در دولت کمکت زیاد شود و اگر ما این کارا یعنی میکنم این لایحه است که تا بهار آنجهد دیگر دارند که وضع شده است جز یک ماده ایشان غیر مستحبی برای عمال دولت تهر دیگری از برای مملکت نداشته است و جز اسباب زحمت و ضرر برای یکمشت دهست فقیه یا ضرر دیگری را دارا نیست و فقط فرقا از این مقداری ندرنی هم که دارند در زندگانی خود دارند معروم می مانند و برای دولت هم نتیجه نخواهد داشت رئیس - آقای سلطان العلماء - بنده با کلیه این لایحه مخالف باینجهت که تا بهار آنجهد دیگر دارند این قبیل بیشنهادات و این قبیل فرانین که وضع شده است جز یک ماده ایشان غیر مستحبی برای عمال دولت تهر دیگری از برای مملکت نداشته است و جز اسباب زحمت و ضرر برای یکمشت دهست فقیه یا ضرر دیگری را دارا نیست و فقط فرقا از این مقداری ندرنی هم که دارند در زندگانی خود دارند معروم می مانند و برای دولت هم نتیجه نخواهد داشت رئیس - آقای سلطان العلماء مخالفند

رئیس - آقای کازرونی چطور

رئیس - آقای اقبال السلطان

رئیس - آقای عادالسلطنه

رئیس - آقای سید یعقوب موافقند

آقای سید یعقوب - بنده موافقتم

آقای سید یعقوب - بفرمایند

آقای سید یعقوب - کمان میکنم این لایحه بهترین لایحه است که از طرف دولت به مجلس تقدیم شده است بجهت اینکه ما باید ارزاق عمومی را زیاد نکنیم و کاری نکنیم که نان و کوکت در دولت کمکت زیاد شود و اگر ما این کارا یعنی میکنم این لایحه است که تا بهار آنجهد دیگر دارند که وضع شده است جز یک ماده ایشان غیر مستحبی برای عمال دولت تهر دیگری از برای مملکت نداشته است و جز اسباب زحمت و ضرر برای یکمشت دهست فقیه یا ضرر دیگری را دارا نیست و فقط فرقا از این مقداری ندرنی هم که دارند در زندگانی خود دارند معروم می مانند و برای دولت هم نتیجه نخواهد داشت رئیس - آقای سلطان العلماء - بنده با کلیه این لایحه مخالف باینجهت که تا بهار آنجهد دیگر دارند این قبیل بیشنهادات و این قبیل فرانین که وضع شده است جز یک ماده ایشان غیر مستحبی برای عمال دولت تهر دیگری از برای مملکت نداشته است و جز اسباب زحمت و ضرر برای یکمشت دهست فقیه یا ضرر دیگری را دارا نیست و فقط فرقا از این مقداری ندرنی هم که دارند در زندگانی خود دارند معروم می مانند و برای دولت هم نتیجه نخواهد داشت رئیس - آقای سلطان العلماء مخالفند

رئیس - آقای کازرونی چطور

رئیس - آقای اقبال السلطان

رئیس - آقای عادالسلطنه

رئیس - آقای سید یعقوب موافقند

آقای سید یعقوب - بنده موافقتم

آقای سید یعقوب - بفرمایند

آقای سید یعقوب - کمان میکنم این لایحه بهترین لایحه است که از طرف دولت به مجلس تقدیم شده است بجهت اینکه ما باید ارزاق عمومی را زیاد نکنیم و کاری نکنیم که نان و کوکت در دولت کمکت زیاد شود و اگر ما این کارا یعنی میکنم این لایحه است که تا بهار آنجهد دیگر دارند که وضع شده است جز یک ماده ایشان غیر مستحبی برای عمال دولت تهر دیگری از برای مملکت نداشته است و جز اسباب زحمت و ضرر برای یکمشت دهست فقیه یا ضرر دیگری را دارا نیست و فقط فرقا از این مقداری ندرنی هم که دارند در زندگانی خود دارند معروم می مانند و برای دولت هم نتیجه نخواهد داشت رئیس - آقای سلطان العلماء - بنده با کلیه این لایحه مخالف باینجهت که تا بهار آنجهد دیگر دارند این قبیل بیشنهادات و این قبیل فرانین که وضع شده است جز یک ماده ایشان غیر مستحبی برای عمال دولت تهر دیگری از برای مملکت نداشته است و جز اسباب زحمت و ضرر برای یکمشت دهست فقیه یا ضرر دیگری را دارا نیست و فقط فرقا از این مقداری ندرنی هم که دارند در زندگانی خود دارند معروم می مانند و برای دولت هم نتیجه نخواهد داشت رئیس - آقای سلطان العلماء مخالفند

رئیس - آقای کازرونی چطور

رئیس - آقای اقبال السلطان

رئیس - آقای عادالسلطنه

رئیس - آقای سید یعقوب موافقند

آقای سید یعقوب - بنده موافقتم

آقای سید یعقوب - بفرمایند

آقای سید یعقوب - کمان میکنم این لایحه بهترین لایحه است که از طرف دولت به مجلس تقدیم شده است بجهت اینکه ما باید ارزاق عمومی را زیاد نکنیم و کاری نکنیم که نان و کوکت در دولت کمکت زیاد شود و اگر ما این کارا یعنی میکنم این لایحه است که تا بهار آنجهد دیگر دارند که وضع شده است جز یک ماده ایشان غیر مستحبی برای عمال دولت تهر دیگری از برای مملکت نداشته است و جز اسباب زحمت و ضرر برای یکمشت دهست فقیه یا ضرر دیگری را دارا نیست و فقط فرقا از این مقداری ندرنی هم که دارند در زندگانی خود دارند معروم می مانند و برای دولت هم نتیجه نخواهد داشت رئیس - آقای سلطان العلماء - بنده با کلیه این لایحه مخالف باینجهت که تا بهار آنجهد دیگر دارند این قبیل بیشنهادات و این قبیل فرانین که وضع شده است جز یک ماده ایشان غیر مستحبی برای عمال دولت تهر دیگری از برای مملکت نداشته است و جز اسباب زحمت و ضرر برای یکمشت دهست فقیه یا ضرر دیگری را دارا نیست و فقط فرقا از این مقداری ندرنی هم که دارند در زندگانی خود دارند معروم می مانند و برای دولت هم نتیجه نخواهد داشت رئیس - آقای سلطان العلماء مخالفند

رئیس - آقای کازرونی چطور

رئیس - آقای اقبال السلطان

رئیس - آقای عادالسلطنه

رئیس - آقای سید یعقوب موافقند

آقای سید یعقوب - بنده موافقتم

آقای سید یعقوب - بفرمایند

آ

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

اینکه صحیح نیست مادامی که بره آن استفاده که باید بگند نگردد او را ذبح کنند خصوصاً وقتی که در شکم مادرش باشد بند کاملاً با این اعمال یعنی بامتنع کشتن بز و میش آبستن و بره موافق ولی این لایحه نامن نمی کند این مسئله را قانون حکم وضع شود برای حفظ منافع جامعه است ما در اینجا از یک طرف معتقدیم که بز و میش آبستن کشته نشود تا سبب از دیاد ارزاق عمومی شود اما از طرف دیگر در اجرای این لایحه اگر بگمده از فقره دهار زحمت شدند و یا که صدماتی متوجه آنها شد اینجا نمی شود خودمان را راضی حسنه بگمده که بگمده کوشت خودمان را راضی حسنه بگمده که بگمده کوشت بخورند و بگمده دهار زحمت شدند و هم‌وین غیره مطلع بشوند در اینجا مینویسد از نقطه نظر حفظ منافع عمومی در تمام مملکت ایران ذبح بره و بزغاله که کمتر از شش ماه داشته باشد ممنوع است تشخیص این مسئله بجهه شکل می شود آقای اقبال السلطان فرمودند از دندان آنها میشود تشخیص داد اما فرض در این این است که بره حکم شده و پوسن هست پوسن بره که دندان ندارد از کجای پوسن می توان معلوم کرد که این بره هماحت بوده یا پس از مدتی که دندان ندارد از فردا مامورین مالیه همین ماده اول را مأخذ اقدامات خودشان قرار می دهند و بگویند در اینجا نوشته شده است ذبح بره که کمتر از شش ماه داشته باشد ممنوع است و این بره که کشته شده است بینجامه است و بره که از زده روز پیشتر عمر نداشته است هرچه فریاد کنند که شش ماه و سه روز داشته می گویند خیر از شش ماه هم یک روز کمتر بوده و اگر مامور مالیه مراحمت و سخت گیری کند که هم باید معمول باشد میش آبستن موقع اجرا بگذارم وغیر قانون را به که باید کمتر از شش ماه نداشته باشد از گنجایی نوان تشخیص داد که آن بره که کشته شده شش ماه یا پیشتر یا کمتر داشته است این یک نفس یک نفس دیگر این است که اگر بره مریض شد و آن را کشته این قانون آن را مستثناء نگردد است زیرا آنچه که می نویسد مدام که هیب و علتی نداشته باشد این استثناء را متعلق به بز و میش است نه بره و اگر اجیانا در اینکه ده یا بیست بره مریض و معیوب شوند که مجبور باشند آن هارا ذبح نمایند هیچ در این قانون این مسئله را مستثناء نگردد است و بعده بندۀ قانون باید حتی الامکان طوری نوشته شود که در موقع اجرا هم مردم دهار اشکال نشوند وهم مامورین به مشکلات بر نخورند بندۀ اساساً مخالف کشتن بره هستم زیرا این مسئله برخلاف همه چیز است کشتن بره که در شکم مادرش باشد یا پرمه که شیر میخورد و هنوز استفاده رضاعی که باید از مادرش بگنده

پوست آن ضبط شود البته کشند بره که بواسطه پوست برمه دا می کشنده و قتی که دید پوست برمه ضبط می شود دیگر بره خود را نخواهد کشت قسمت دیگر که بره هم تو اند شده باشد پوست آنها شاید تا چند روز اول مصرف داشته باشد ولی پس ازین شش روز دیگر پوست آنها مصرف ندارد و کشتن آنها فقط بعض تفنن است و از ضبط آنها هم ضرری بصاحبان بره وارد نخواهد آمد زیرا آنها سر شاهی و دو قران الی دوریال بیشتر ارزش ندارد و کشتن آنها هم با این واسطه منع کرده اند که بمانند و بزرگ شوند تا اسباب زیادتی کوشت و ارزاق عمومی بشود در این قسم هم کمیسیون تصمیم گرفت که فقط بضبط پوست این قبیل بره ها که بجهت کوشتان آنها را می کشند فنعت شود که دندان ندارد که این اسباب ذمت مردم فراهم نباشد اما در این قسم هم کمیسیون تصمیم گرفت که فقط بجهت کشتن میش آبستن و بزهای ماده البته باید از این میشود تشخیص داد که این اسباب ذمت مردم نداشته باشد که این اسباب ذمت مردم نداشته باشد اما در این قسم هم کمیسیون تصمیم گرفت که فقط بجهت کشتن میش آبستن و بزهای ماده البته باید در این میشود تشخیص داد که این اسباب ذمت مردم را آزاد کذاشت که کسی می خواهد بکشد و یا باید مخالفت کرده این اسباب ذمت مردم نداشته باشد که در این فصل بهار چقدر بره های تولدی می کشند وروه چوب می شون فرانیسی که در مجلس نوشه می شود البته باید طوری نوشه شود که بنفع مردم باشد و بضرر مردم حتی اگر جزوی ضرری هم بدولت تعديل می شود دولت آن را قبول کند که مردم آسوده باشد حالا مقصود از کشتن بره تولدی چیست چنانچه در مقدمه رایرت کمیسیون نوشه شده است که کشتن بره های بجهت این اتفاق یکی آنها است که هنوز بدینا نیامده اند یعنی میش های یا بره های آبستن رامی گشند که بجهه آنها را از شکم شان برون پیاووند و پوست آنها را بفروشند این یک قسم

زیرا این یک ضرری است که بر همراه وارد می شود البته و قتی که داخل در مواد شدیم در آنها مذاکره خواهیم کرد که پوستهای در سرحد باید ضبط شود یا در جاهای دیگر و راجع باینکه از گنجایی معلوم کنم که بره هاشش ماهه یا زیادتر یا کمتر دارند اینها یک چیزهایی است که در در ضمن شور در مواد باید مذاکره شود استدعا می کنم راجع بمنفع کشتن بز و میش آبستن که اصل مطلب است

آقایان رأی بدهند وقتی که داخل در مواد شدیم در این جزئیات کاملاً تو اینم مذاکره کنیم

رویس — آقای تدین (اجازه)

، تدین — مقصود از کلبات هر لایحه همان مواد لایحه است ولا بد وقتی در کلبات صحبت می شود تمام صحبت هاراجع بمواد است.

بنده اساساً با بره کشی مخالفم برای

اصلاً بره کشی موقوف شود برای اجرای این امر جریمه های خیلی سخت قراردادند که خبلی اسباب زحمت بود مثل درخانها می رفتند و فتیش میگردند بالاخره این ترتیب گاهی معمول بود و گاهی موقوف می شدنا امسال که خواستند باینکار صورت قانونی بدهند و جدا از بره کشی جلو گیری کنند که هم سبب فراوانی آذوقه مملکت بشود و هم رعایتی که این همه آقایان از آنها طرف داری میگنند آسوده باشد لایحه که دولت پیشنهاد گرده بود (البته آقایان ملاحظه فرموده اند) همان زمینه سابق را تعقیب گرده بودند که از بره هائی که کشته می شود هر بره پنج توان جریمه بگیرند و گوسفند هائی که ناخوش هستند بصاحبان آنها باید آنها را بیاورند بنقاصلی که امین مالیه در آنها هست و در آنها معاینه شود اگر معیوب بود نکشند و باید از این مالیه هم تصدیق نامه بگیرند ولی تصدیق می فرمایند باین قریبی که دولت پیشنهاد کرده بود هلاوه بر این که مقصود را نمی رساند یکی از جمادات زیادی هم تولید و در کمیسیون هم مذاکر شداما چون فرانیسی که در مجلس نوشه می شود البته باید طوری نوشه شود که بنفع مردم باشد و بضرر مردم حتی اگر جزوی ضرری هم بدولت تعديل می شود دولت آن را قبول کند که مردم آسوده باشد.

حالا مقصود از کشتن بره تولدی چیست چنانچه در مقدمه رایرت کمیسیون نوشه شده است که کشتن بره های بجهت این اتفاق یکی آنها است که هنوز بدینا نیامده اند یعنی میش های یا بره های آبستن رامی گشند که بجهه آنها را از شکم شان برون پیاووند و پوست آنها را بفروشند این یک قسم

قسم دیگر بره های دو ماهه و سه ماهه هستند که آنها بجهت کوشتان می کشند قسم اول در تمام طبقات بجهة فروش پوست آنها معمول است ولی قسم دوم هیچ مربوط بفقره خود را که بر صعفا نیست زایرا آنها تفنن کوشت بره خود را ندارند و در دعات و قصبات هم کوشت بره اختصاص شهریار دوچندان بر هم باینواسطه کشته نمی شود ولی بر های تو دلی این اتفاق مذکور شده است تباید چیزی علاوه شود از این مسئله جلو گیری کردن و مدتی در این موضع مذکور شد و بالاخره راهی که بنظر دولت رسید این بود که اساساً بره کش را قدهن حکند چون مردم بواسطه منافقی که از بوصت بر همی بر دند حتی میش های آبستن را بجهت بره های تو دلی آنها میگشند و از این راه خسارتهای زیادی هم بر ارزاق عمومی وارد می شد باینواسط دولت احکامی صادر و بره کشی را منع نموده و قرار گذاشتند از پوستهایی که از سرحد خارج می شود مبلغی بعنوان جریمه دریافت کنند از این مبالغ مناسب کمیسیون این طور صلاح داشت که در هر کجا بره بگشند از طرف دولت می گرفتند ولی همنا هم سعی میگردند که

نادر ملکش رای فروشد هستیش را می فروشد و بمصرف مجبوست ذهن و پیشه اش می رساند این صاحب رمه هم همین حال را دارد تا وقتی که کارد باستخوانش نزد اینکار را نخواهد کرد کلیه از هر نفع نظر ملاحظه کنیم اگر بجهاتی دیگر هم بر می خورد بخورد همه معنی شرعاً جائز نیست

خبر- آقای گروسی اشتباہ فرمودند این سال ها کشتن برهاز سال های قبل خیلی کمتر است و سال های پیش خیلی بیشتر کشته اند می شد.

و بواسطه همان کشته اهای زیاد که قبلاً میگردند قسمت عمده رمه ها اصلاً از میان رفتہ وقتی که نباشد چندین هزار میش را برای برده های تولدی بگشند بدیهی است میش باقی نمی ماند و این ربطی بدارائی و غیر دارائی ندارد و مگر دیده ایم که چون صاحب رمه نفع خود را در بره کشی میداند از این جهت برده های تولدی را کشته رفیس - آقایان مذاکرات را کافی می دانند.

(کفته شد کافی است)

رفیس- بیشنهادی است از طرف آقای نصیر دیوان قرائت می شود.

(بعضون ذیل قرائت شد)

این بند بیشنهاد می نمایم که این لایحه مراجعت بگمیون داده شود در آن جا بست بمواد آن مذاکرات لازمه بعمل آورده با موافقت وزارت مالیه مواد آن را اصلاح کرده به مجلس بیاورند که مذاکره شود رئیس-خطاب با آقای نصیر دیوان در این باب توضیحی دارند.

نصیر دیوان قرائت شد

به چند کدام بامنع بره کشی مخالفت ندارند و فقط مخالفت با مواد این لایحه است و عقیده بند این است که این لایحه برگرد بگمیون و در آن جام و ادش را اصلاح کنند و بعد به مجلس بیاورند.

رئیس- در این باب کسی مخالفت نیست.

مدرس- بند مخالف

رئیس - بمفاده

هادرس- بند از مذاکرات همه فهمید که اکثریت در ماده اول این لایحه مخالفت دارد ماده دوم هم در کیفیت مخالفتند حالاً اگر آقایان صلاح می دانند و این نظر را تصدیق میکنند داخل در هر بر ماد بشویم ماده اول باید کلیتیاً روشن شود هم باید اصلاح شود

رئیس- آقای حاج شیخ اسد الله

(اجازه)

حاج شیخ اسد الله- بند با اساس این لایحه مخالفم و راجع باین بیشنهاد هم چون در واقع تصدیق و اثبات میکنند رایت کمیون را از این جهت مخالفت میکنم رئیس- در باب این بیشنهاد اگر فرمایشی دارید بمفاده

میگن این لایحه را بس بگیرند و آقای وزیر مالیه فکری بگند که اجرای این قانون اسباب زحمت نشود تا ما بتواتریم رای بدیم والا اگر اینطور باشد ما کاملاً مخالفیم.

خبر- آقایان اشتباہ می فرمایند که اجرای این موضوع مشکل است در اینجا بنظر کمیون این طور رسیده که فقط به ضبط در گردن اکتفا بشود.

اگر طریق اجرای این لایحه قسم دیگری میگیرد همانطور بیشنهاد گند و معلوم نیست که کمیون قبول کند و یک قسمت از بیشنهادات وزارت مالیه راهنمایی کمیون عملی ندانست و اسباب فحتم مردم می دید لذا رد کرد اگرچه بر ضرر دولت بود پس باید این ضرر را تعامل کرد تا مردم راحت باشند حالاً اگر عقیده آقایان این است که موافقت گند و یک قسمت دیگر را هم در گند کمیونهم شاید موافق باشد ولی کمان میگن این قسمت با کمیون موافقت و ممکن آقایان اساساً با کمیون موافقت گند که است کمیونهم با آقایان موافقت گند که این دو ماده حلف بشود و فقط تبدیل بشود یک ماده ضبط در سرحد اما این مطلبی است که پس از کشف عقیده آقایان در سایر مواد آنوقت برای شور دوم باید حاضر کنم و به مجلس بیاوریم.

رفیس- آقای گروسی

(اجازه)

خبر- آقای میکنم آقایان همچنان با این مخالفت بره کشی می شود رواج بره کشی اسباب تضییق حوانی همومی است با این واسطه دولت باید منع بگند که رفته تکسری با غنا و احشام نشود می خواهم عرض کنم آن ها که صاحب رمه هستند آن ها منافع وضرات کار خود را بهتر از همه می دانند در صورتی که می فرمایند بگوییم بره و قران بیشتر فروش ندارد صاحب رمه هم این مطلب را می داند چه طوری شود که برای دو قران از نشوونمای بره صرف میگردند و بکند و بره خود را بدون جهت در کوچکی ذبح کند می خواهم عرض کنم که این اوقات که بره کشی زیاد شده است جهت دیگری دارد بواسطه مکاری در معاملات وداد و سید و کمی عایدات است و چون استعمال دامن کمی هم از نهاده این اتفاق نداشته باشد برای بخارجه حمل هود بهر حال تا بندۀ احصاییه گردن آورده اند و باز هم عرض میگردند پوست های بره را که از خارج می آورند خیلی مختصر و کم است و باز هم عرض میگردند پوست های بره را که از خارج می آورند خیلی مختصر است و بیشتر بمصرف میگردند پس نایابه طوری کرد که میگردند مالیات نمک بشود که مالیات گذاشته اند و بعد نمک از رویه به قزوین آورده باشند و باز هم عرض میگردند پیش از این ملاقات خیلی را از تجاری بتصور یک مفهوم خیالی دهایا رضار بشویم و آنقدر بیوست بره از ترکستان و افغانستان بیاورند که مالیات سه چهار کرود پول ما را برای بیوست بخارجه بزوده بندۀ تصویر میگند که این لایحه را کمیون معتبر دارد و با مشاوره آقای وزیر عدلیه اول طرز اجرای این فرمایند با منع بره کشی مخالفم ولی با اطراف اجرای این لایحه مخالفم ولی آن که آقایان تصویب کردند داخل در شور مواد می شویم عرایض خود را هر پس از خواهم کرده

میگردند که آقایان مخالف با اساس این لایحه نیستند اینکه فرمودند در اصل موضوع کسی مخالفتی ندارد بلی کسی مخالفت منع بره کشی نیست ولی حرف در اجرای این مسئله است خوب بود که آقای وزیر مالیه او لا معین میگردند که سالی هفتم در یک سال میگردند بره از ایران خارج میشود و هفتم در اینجا وارد میشود بندۀ جز در قسمت خراسان از فسته ای دیگر معالع نیست در طرف خراسان تقریباً سالی چندین هزار بیوست بره از افغانستان و ترکستان وارد میشود و بفروش میگذرد صورتیکه بیوست بره بخارا را در خراسان دانه هفت قبان هشت قران میگردند بندۀ نیبدانم چه طور میشود که گویند آستن را بقیمت گران بفریدو آنرا بگشند و بره آنها را هم بگشند آنوقت با این قسمت بفروشند و باز هم صرف بسکنند در صورتیکه بیوست بره بخارا این طور که مشهود است بهترین بیوستها است با این قیمت است دیگر معلوم است حال بیوست بره شیراز وغیره یکوقتی درده پانزده سال قبل این تجارت خیلی رواج داشته است ولی حالیه کمان نمیگنم که چندان بیوست ایران بخارجه حمل هود بهر حال تا بندۀ احصاییه گردن را نه بینیم متقاعد نخواهم شد اما قسمی که در داخله بمصرف میگردند خیلی مختصر و کم است و باز هم عرض میگردند پوست های بره را که از خارج می آورند خیلی مختصر است و بیشتر بمصرف میگردند پس نایابه طوری کرد که میگردند مالیات نمک بشود که مالیات گذاشته اند و بعد نمک از رویه به قزوین آورده باشند و باز هم عرض میگردند پیش از این ملاقات خیلی را از تجاری بتصور یک مفهوم خیالی دهایا رضار بشویم و آنقدر بیوست بره از ترکستان و افغانستان بیاورند که مالیات سه چهار کرود پول ما را برای بیوست بخارجه بزوده بندۀ تصویر میگند که این لایحه را کمیون معتبر دارد و با مشاوره آقای وزیر عدلیه اول طرز اجرای این فرمایند با منع بره کشی مخالفم ولی آن که آقایان تصویب کردند داخل در شور مواد می شویم عرایض خود را هر پس از خواهم کرده

خبر- اینکه آثار ارجاع به مسئله تجارت فرمودند که تجارت از تجارت بیوست بره استفاده می کردند بندۀ تحریر میگند ملاحته و رعایت منافع همومی ترجیح داشته باشد بر منافع خصوصی و اینکه ما از بره مسکنی جلو گیری میگند بواسطه این است ارزاق مملکت زیاد شود و هموم مردم استفاده بگشند بعلاوه ورود بیوست بره از خارجه که ممنوع نشده است اگر کسی بمغواهه نفین بگشند یاتجارت بگشند باشند ها با خارجه میگند و لا در داخله منع بره کشی فوائدش بیش از گشتن برها است

رئیس- آقای هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - با اینکه آقای

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

دوره چهارم

است آن بر مرد ابکشندگان نکشند هم میشوند و هم بر هاش تلف می شود آنوقت بعمر دایین که این دار را کرد مأمورین مسلح مایه وارد می شوند و باجه سخت ها اسباب ذخیرت آن بیچاره می شوند آنوقت آن بیچاره در کجا این مطلب را ثابت بکند و در کجای قانون راجع باین مطلب اشاره کرده اند که که اگر چنین موقعيتی بیش آمد متعرض او نشووند پس همینطور که هرض کردم این قانون فقط برای خاطر هزارنفر یا ده هزار نفر زارع بیچاره بدینه است و الاسائل جلوگیری از عشاير برای دولت فراهم نیست زیرا دولت در عشاير مأموری ندارد که جلوگیری بکند و آنها بر های خودشان را می کشندو بتوشند را هم بواسائل تجارت خانه های خارجی حمل می کنند حالا اگر قانون عملکرنی وضع شود و تجارت خانه های خارجی هم نتوانند بغيرند این یك مطلبی است علیحده ولی با وجود این حمل می کنند و آن بدینه که چهار تا گوسفند دارد منصل در عذاب است واما از این نقطه نظر که نتصور می فرمایند جلو - از بر ه کشی سلب تکنیک ره می شود خیر این طور نیست و متفاصلین و مطالمین این مطلب را می دانند که فایده گوسفند دارای فقط بتکنید عده نیست بلکه بشگاهداری و توجه و تربیت است بسا هست که اگر یك نفر صدر اس گوسفند داشته باشد بهتر نمیتواند استفاده از یشم و گوشت او بستکنند و وسائل تعیش آنها را فراهم کنند تا باشد رأس گوسفند آن صدتا می مانند و این باشد ناصدتا تلاف می شوند برای اینکه در ذمستان آذوقه لازم دارند و وسائل تکاهداری آنها را باید فراهم نمایند و زارع بیچاره مثل عشاير نیلاق و قشلاق ندارد و فقط در آبادی سگنی دارند باید در پاییز آذوقه زمستان ره خود را تبه نمایند بهر حال چون بنده میدانم که این قانون وضع خود هرض می کنم که سختی و فشار به دهقانی بیچاره وارد می آید و فقط به آنها سخت می گذرد و لهذا بکلی با این لایه مخالفم و باید کما می سابق بر ه کشی آزاد باشد و مردم راحت باشند و برای خاطر بیوست تجارت خانه ها را و یك جمعی را بزمت میندازند در صورتی که مقصودی را هم که دولت دارد یعنی تکنیک گوشت و یشم از این واه بیش نمی شود هنگام - اینکه فرمودند هر را راجع بسن توضیح داده نشد که از چیده شدن یشم معلوم می شود بندگان مکرر هرض کردم که درشور در کلیات فقط باید اصل مطلب واضح باشد تادر مواد اگر اعتراضی هست جواب داده شود بنا بر این اگر می خواست تمام توضیحات آفایان را که شامل مدلول مواد بود قهلا هرض کنم تقویت بکند یعنی آذوقه صرف میشد پس بهتر این بود که اعتراضات

این سه فقره دیگر که بزومیش و بزغاله باشد این سه تارا بکلی باید از این لایه استقطاب کرد و داهی نهاد و همچنین اختبار آبزو میش را بکشند مگر آن که هریض باشد با از زائیدن افتاده و خیلی استقطاب شده باشد وهم چنین بزغاله را هم آن قدرها برای بوسن نمیکشند شاید بجهت جیزه ای دیگر بکشند فقط باید مادرها منحصر کرد به بر ه و باقی زیاد است لهذا بندگان ماده مخالفم هنگام - چنانکه هرض کردم کشتن میش برای بر های تولدی است که هنوز متولد نشده اند حالا ممکن است (اگر بخواهند دعايت بفرمائید) قید شود که بز و میش های حامله را نکشند اگر چه نظر این بوده است که اصلا میش و بز ماده کشته نشود ولی حالا که همینطور بفرمائید لاقل باید ذکر شود که بز و میش حامله که این بر های تولدی ناقصی متولد نشده اند و استفاده از رحم و شیر مادر نکرده اند کشته نشوند.

رئیس - آفای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حجاج شیخ اسدالله - یك قسم هرایضم را قبل از کردم و یك قسم دیگر که راجع با آسایش فقر او منافع عامه باشد در اینجا تذکر میدهم هر بیشنهادی که میشود نسبت به مردم امری اولا دولت باید متفاصلین آن امر و مطالمین از آن قضیه را حاضر کرده و با آنها مشاوره کند و باید اطلاع کاملی بیشنهاد چامع و الاطرافی به مجلس بیشنهاد کنند بس از آنکه به مجلس آمد کمیسیون هم باید یك تحقیقاتی کرده و منافع و مصارش را از اهل خبره تحقیق نموده باشد بعد در ضمن رایپورت خود تحقیقاتی که کرده و مطالبی که برایش مکشف می شود کاملا می نویسد اگر کمیسیون تحقیق کرده بود در موتی که از مخبر سوال کردن از کجا می فهمند که بر ه شمامه شده است البته جواب می دادند که بر ه شمامه پیشنهاد شده است آنوقت در این منافع دیگر اینقدر مذاکره نمیشود این اختلافات بیان نمی آمد این گفتگو ها بواسطه این است که کمیسیون تحقیقات خود را نکرده است واجع به ریشنهاد قانونی که می خواهند در مملکت وضع گنند احوال باید ملاحظه ام برایش را کردو یك قسم همده این قانون که وضع می شود راجع است بعشایر فارس و استان آذربایجان و خراسان البته دولت باید قبل اینستند که وسائل جلوگیری در آنجاها دارد یا خیر!

فقط این تعمیلات و این صدمات راجع می شود به چهار نفر دهقان و زارع بیچاره که یك گوسفند دارد و بیشنهاد را باشند و نمیتواند بر ه خودش را تقویت بکند یعنی آذوقه نهاد و بیان هم هنوز سبز نیست و مجبور

دو مجلس نباید این بیشنهاد را تصدیق کند واکر آفایان تصدیق کردند که داخل درشور موادشون در ماده اول نظریات خود را نسبت باصل لایه میگوییم که آن هم با اسباب بدینه بیچاره فقر خواهد بود رئیس - رای میگیریم به بیشنهاد آفای نصیر دیوان فضیل دیوان - بندگان بیشنهاد خود را مسترد میدارم

شاهزاده محمد هاشم میرزا

بندگان بیشنهاد را قبول میکنم

رئیس - رای میگیریم راجع به بیشنهاد آفای محمد هاشم میرزا که این لایه بر کردد بکمیسیون برای تعداد نظر و تکمیل جزئیات آن آفایان بکه این بیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند (عده قلیل قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشدرای میگیریم که داخل درشور مواد بشویم آفایان بکه تصویب میکنند داخل درشور مواد بشویم قیام فرمایند اغلب قیام نمودند

رئیس - تصویب شد ماده اول قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد)

ماده اول - از نقطه نظر حفظ منافع عمومی در تمام مملکت ایران ذبح بر ه و بزغاله که کمتر از ششماه داشته باشد وهم چنین میش و بز ماده جوان که مستعد ذاتین است مادام که هیب و عاتی نداشته باشد کلی من نوع است

رئیس - آفای مدرس مخالفند

مدرس - بلی

رئیس - بفرمائید

مدرس - بندگان اساساً عقیده ام این است بر ه را برای فروختن بوسن نمایند کشت اما این ماده را بطوری که نوشته اند از این کار جلوگیری نمی کند و اسباب زجات مردم هم است خصوصاً نسبت به بز و میش بعلاوه بز و میش دخلی با این مسئله نهاد و کسی هم بز و میش آبستن را نمیکشد بعیده من لفظ بز و میش در این جازی ای اس سال بدولت و ملت ضرر بز نمیم ما باید فقط از نقطه نظر منافع عمومی قانون وضع کنیم رئیس - این مذاکرات شماراچ باشند لایه است راجع به بیشنهاد اگر قبول دارید بفرمائید

حجاج شیخ اسدالله - چون آفای رئیس میگواید که این خارج از بیشنهاد است و مذاکره راجع با اساس لایه است این است که بندگان بز و میش خودم را حتم میکنم و هریض میکنم بندگان موافقش نهادم با این بیشنهادی که کرده از یعنی این لایه مجدد بکمیسیون برگردانه همین اگر مجلس رای بدهد که برگردانه بکمیسیون فی المحبة تصدیق کرده است که این بیشنهاد باشد پایان که بر راتاشمه نباید بکشند و صحیح است از این جهت بندگان مخالف هست

روزنامه‌رسی گشور شاهنشاهی

مالیه گردد در صورتی که در ماده دوم همین لایحه مجازاتش معین شده است مانع افزایاد روی مأمورین دولت خواهد شد و آن مجازات این است که پوست بره در سرحد ضبط شود گمان مو کنم تمام مالها عقیده مان این بود و هست که بره را نباید کشت تا سلب فیزی اغناام و احشام مملکت گردد و مسلمان اگر اغناام و احشام ما زیاد شود اتفاقی که از جثت تجارت خارجی می‌بریم زیدتر خواهد شد

زیرا ما می‌توانیم آنها را گله گله در سرحدات بخارجه بفروشیم در این - صورت علاوه بر اینکه تجارت ضررمنی - رسانند ارزاق عمومی هم تأمین خواهد شد و از حیث مجازات هم بنده بیشنهاد می‌کنم غیر از ضبط پوست آنها در سرحد نه در داخله مملکت مجازات و تفتيش دیگری شاید برای آن فرار داده شود و این ترتیب هم یک ترتیب و ماده کش داری نیست که مأمورین مالیه هر نوع بخواهند اعمال غرض بخکند و وضع آن هم اشکالی خواهد داشت

رئیس-آقای نظام الدوام (اجازه)

نظام الدوام — بنده چون به تطویل کلام قائل نیستم عرض می‌کنم یک جمله شاهزاده اقبال السلطان فرمودند که بنده مجبور جواب عرض کنم حقیقت اعرض بنده این نبود که نایستی از پوست برمه مالیات گرفت و بره کشی را آزاد گذاشت ایکن می - توام بگویم که اگر حقیقاً ملت ایران هوا خواه دولت و حکومت وقت خود می- شود با این رفتار مأمورین دولت حق داشتند مالیات ندهند

ولی حالا که ملت ایران هوا خواه دولت است دولت حق ندارد مردم را در تضیيق و فشار بیندازد و تصدیق می‌فرمایند این رفتاری که از طرف دولت نسبت به مردم می‌شود رفتاری عادلانه نیست و تمام فرمایشاتی که آقایان فرمودند هر کدام بجا خود صمیع است تابحال در این مملکت ترتیبی معقول بوده و این قانون هم وضع شده بود بازهم زیادتر از اندازه احتیاج رفته بره نگاه نمی داشت.

حالا این مسئله اینقدرها اهمیت ندارد که دچار این قبیل مذاکرات شویم بنده عقیده ام این است همانطوری که آقای مدرس فرمودند حالا که کلیات این مسئله لایحه تصویب شده است اگر در پیشنهاد آقای مدرس مذاکره شود بهتر است مخبر — می خواهم عرض کنم ~~مکن~~ سوء تفاهمی نشود آقای نظام الدوام اشاره بوضع مالیات کردند در اینجا هیچ ذکری از وضع مالیات نبست بلکه جلو کیمی از

است و از این که آقایان متصل دادمی‌زنند که مأمورین دولت غلظ و شدادند و در روز نامه‌جات می‌نویسند که فلاں طورند بنده خیلی تعجب می‌کنم ذیرا با این بیانات که می‌کنم پس ما باید دیگر قانون وضع نکنیم و کلیه فوانین را در مملکت بپردازیم آقایان اگر مأمورین دولت بد همانند باید آن هارا در تحت ~~مکن~~ که مجازات آورد نه اینکه چون فلاں مأمور دولت چنین کاری کرده است ماهم باید وضع قانون نمائیم بلکه ما باید با حکم عدالت و نصف قوانین وضع نمائیم و مأمورین اجرای قانون را در تحت مسئولیت قرار بدهیم ~~مکن~~ می‌کنم ~~می‌توان~~ اینکه اعلان می‌کنند (هر کس بک قران دزدی کرد بدون استنطاق اعدام می‌شود)

چطور ما می‌توانیم چنین اختیاری را بپردازیم دولت بدهیم که برای جلو - گیری از کشتار بره در مقام تفتیش بر آینه باینجهت من ماده اول را خوب نمی‌دانم بواسطه سوه رفتاری که مأمورین دولت دارند اسباب زحمت مردم بیچاره می‌شود

~~مکن~~

بنانکه دیدم مرتضی که برای گاو ها بینداشده بود هر صاحب گاوی که مأمور صحبه را راضی می‌کرد گوشت گاوش حلال برد و هر صاحب گاوی که مأمور صحبه را راضی نمی‌کرد گوشت گاوش را باید دفن ~~مکن~~ و یک مبلغی هم برای ضد عقوبی آن باید بدهد و این ماده را هم گراماتصدق بکنیم در موقع عمل همین علار خواهد شد لذا من موافق نیستم رئیس-آقای حاج میرزا مرتضی هم مخالفید

ولی امروزه بعکس نتیجه بخشیده است مثلاً قانون تهدید تریاک ابتدا بجهت منع تریاک و استعمال در داخله و سمت تجارت خارجی وضع شده

ولی امروزه بعکس نتیجه بخشیده است جلو تجارت خارجی را گرفته انه و استعمال داخلی و سمت بیندازد بنده در مملکتی که اعلان می‌کنند (هر کس بک قران دزدی کرد بدون استنطاق اعدام می‌شود)

چطور ما می‌توانیم چنین چنین اختیاری را بپردازیم دولت بدهیم که برای جلو - گیری از کشتار بره در مقام تفتیش بر آینه باینجهت من ماده اول را خوب نمی‌دانم بواسطه سوه رفتاری که مأمورین دولت دارند اسباب زحمت مردم بیچاره می‌شود

بنانکه دیدم مرتضی که برای گاو ها بینداشده بود هر صاحب گاوی که مأمور صحبه را راضی می‌کرد گوشت گاوش حلال برد و هر صاحب گاوی که مأمور صحبه را راضی نمی‌کرد گوشت گاوش را باید دفن ~~مکن~~ و یک مبلغی هم برای ضد عقوبی آن باید بدهد و این ماده را هم گراماتصدق بکنیم در موقع عمل همین علار خواهد شد لذا من موافق نیستم رئیس-آقای حاج میرزا مرتضی هم مخالفید

~~مکن~~

حاج میرزا مرتضی - بلی
رئیس - آقای آغا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده موافق و راجع باین ماده که آقای مدرس فرمودند این عبارت که نوشته شده است بلکی منوع است (با بعضی آقایان نمایندگان دیگر همچه بیان کردن) ~~مکن~~ این معانی که نوشته است و حکم مجازات را معین نگرده است مطلق است بنده کمان می - کنم کسانی که وارد شده اند در طرز تحریر فوانین این ایراد را غیر وارد بدانند هر برای این که هر مقنی که حکم می‌کند کنم و باختیارات خود تولید زحمت می - کنم و بخصوص که در ماده ۵ می‌نویسد (دولت نظام نامه برای اجرای این لایحه معین خواهد کرد)

در مواد یکی یکی مذاکره بشود راجع به من خودحضر تعالی فرمودید که بچه شکل می‌توان فهمید کلمه بره را از اول تا یک ماهه و کمتر از یکماه برای یوسپش می‌کشنند و اگر یکماه زیادتر باشد آنقدر ها اهمیت ندارد

از طرف دیگر که می‌فرمایند این کار برای زیادی بره فایده ندارد بنده عرض می‌کنم باید بالاخره گوشفند باشد ناگاهداری کنند یا خبر عکس گوشفندرا که نمی‌شود تربیت کرد باشد یعنی گوشفند باشد تا زیاد شود و فایده داشته باشد اگر اجازه بدهید ~~مکن~~ بره بکشند دیگر چیزی نخواهد بود که ناگاهداری بکنند و در قسمت دیگر هم آقایان موافقند که میش آبستن نباید کشته شود و اگر مخالفی بود در طرز اجرایش بود چنان - هالی می‌فرمایند که مخالفت نکنند برای اینکه بک تجارتی از این راه بشود بنده هر چشم می‌کنم همچیز تجارتی هم نخواهد شد آن روز که یک تحقیقات و تفتيشات کاملی می‌شود تجارت پوست ارسالی چهل ینچه هزار تومن تجاوز نمی‌کرد ولی همین مطلب مقدار زیادی خساره از جثت آذوقه بردم وارد می‌آورد و هنوز هم جای آن بر شده است و اگر هم در این لایحه اختلافی هست در طرز اجرای آن است

ولی در اصل موضوع گمان نمی - کنم مخالفی باشد رئیس - گویا آقای حائزی زاده مخالف باشد حائزی زاده - بلی رئیس - بفرمایند حائزی زاده - از تیپنون گوشفند های کوچک را نکشند و میش آبستن را نکشند که ارزاق عمومی به تنگی بیفتد ولی چون خیلی دیده ایم مأمورین دولت در مورد اجرای فوانین سوه استفاده می - کنم و باختیارات خود تولید زحمت می - کنم و بخصوص که در ماده ۵ می‌نویسد (دولت نظام نامه برای اجرای این لایحه در این صورت ممکن است فردا هر دهیقی خانواده اش از دست مأمورین دولت در زحمت باشد باین هنوان که پوست کرده کمتر از ششماه را نتفیش می‌کنند که بیندازند تجزیه ایام کشته با نایت کرده که هر قده را که از نظر مصالح اهل فن و منع می‌گردید این کار دارای فلان قالی فامد است که اگر کسی مرتکب همچه امری شد باید پوست بره آن در گمرک ضبط شود یعنی مجازات او همین

وزارت مالیه بتوسط اداره گمرک یک مالیات
و گمرک زیادی بر پوست بره بگذارند همین
کار یک جلوگیر خیلی مهمی از ذبح بره
خواهد نمود و بنده در این مسئله ابدآ تردیدی
ندازم مثلاً گمرک صدی هفتاد و پنج که
سچل است بالکه صدی سیصد و صدی چهار
صد همان طور که دولامریکا گمرک سختی
روی بعضی صادراتشان می گذارند عالم در
روی صادرات خودمان ممکن است بک گمرک
خیلی زیادی بگذاریم و از هیچ چیز هم نباید
بررسیم این یک اقدامی است عملی و هیچ
ظلمی هم از این راه باحدی وارد نخواهد آمد
آنوقت پوست بره که بخارج نرفت عمل اذبح
بره قدر غنی می شود این مسئله همانطور که
هرض کردم از نقطه نظر منافع عمومی و
بعلاوه با نظر دیگری هم هست و آن نظر
احساسات بشری است که برای جلوگیری
از ارتکاب چنین عملی بنده ماده اول لایحه
دولت را تصدیق میکنم و باهر یک چریمه
خیلی سختی برای مرتكبین آن قرار داد
بنا بر این خوب است بطور کلی مادرماده اول
بره کشی راقد غنی کنیم و بعد یک چریمه برای
کشند و فروشنده و خریدار هر سه معین
و هیچ هم از تعهدات مامورین دولت نترسیم
اگر چه بنده خودم در این مقام راجع به مامورین
خودمان بعضی هر ایض کردم و عقبدهام این
است که بعضی احتیاجات و تهدیات از طرف
آنها می شود و ای ممکن است طوری این
چریمه را قرار دهیم که در اجرای آن این
ظلمها و اجهادهات وارد نیاید با این ترتیب که
اولاً یک چریمه ای برای کشند بره شیری و
خریدار و فروشنده آن قرار بدهیم و نانیما
یک گمرک فوق العاده بر پوست بره معین
نماییم تا اینکه این رشتہ تجارت موقوف شود
و بره ها از برای حفظ منافع عمومی در
داخله مملکت محفوظ بمانند بازهم تکرار
می کنیم که این لایحه بطریقی که نوشته
شده میترسم بواسطه اکثریت مخالفین رد
شود و دیگار مشکلاتی گردید این است که
از هر مرحله از مرحله باز می گردیم بهمان
پیشنهاد اولی یعنی این لایحه بر گردد
بکمیتهون و در آنجا اطلاعات گمرکی ضمیمه
آن بشود و نانیما بمحلی بر گردد و آنوقت
مذاکراتی در اطراff آن بشود و در آن
صورت ممکن است با اکثریت تمام و تمامی
این لایحه بگذرد

وزیر مالیہ - مجبور م نوٹ بخادر م

کنم که بات حس رأفت محرك این پیشنهاد
دولت نشده است نقطه نظر دولت رهایت
رفاه حال عموم و حفظ چنین بره بود برای
این که از ابتداء جنگ مطابق اطلاعاتی که
در روز ارت مالیه و اداره گمرک است از شمال
ایران ملیونها میش و گاو و گوسفند برای
روس ها خارج می شد و بعد هم از توجه قمعی
یک عدد زیادی از گوسفندها یا کشته و یا تلف
شده اند بنابراین این لایحه برای رفاه عامه

که با آن تر نسبت ذبح می شوند بندۀ در این موضوع تخصیص ندارم و متسافانه نه پیشنهادی که از طرف دولت شده و نه رایرت کمپسیون فواین مالیه هیچ کدام اطلاع مرا زیاد نکرد ولی در اینکه بره کشی بدامت واساساً بندۀ و اکثریت مجلس با ذبح برهم خالفم جای هیچ تردیدی نیست این پیشنهاد که شد که لایحه برگرداند بکمپسیون و بندۀ هم یکنی از رای دهنده گان با آن پیشنهاد بودم برای این مطلب بود که می ترسیدم این مسئله با این ترتیب مورد توجه واقع شود و شاید رد شود این بود که بندۀ جد و اصرار داشتم که این لایحه برگرداند بکمپسیون و در آنها تجدید نظری در آن شده بعد از آن مجلس باید متسافانه آن پیشنهاد رد شد و داخل درشور مواد شدیم ماده اول روح این لایحه است و عمده اهتمام این لایحه در ماده اول است آقای مدرس فرمودند این ماده رد شود داخل در مواد و موضوع های دیگر شویم زیرا روح این لایحه از این میرود برای این که هم در لایحه وهم از پیشنهاد کمپسیون در ماده اول ذبح بره قدر غن شده است و در مواد بعد طریق اجرای این قدر غن معین بیناید اینکه هر ض کردم ترحم این لایحه موافق محققت است هبنتور هست چه طور می توان راضی شد و چگونه انصاف اتفاق افای نماید که بره های شیری بدون اینکه از ایام طفوایت خودشان استفاده نکنند برای استفاده از پوست آنها در رحم مادر کشته شوند این مسئله از هالم بشریت خارج است در صورتیکه این قانون ذبح بره را قدر غن میکند بندۀ با پیشنهاد دولت موافقم که باید یک چریه سه هتی برای ذبح کننده بره فرارداد از این نقطه نظر بندۀ رایرت کمپسیون را رد و پیشنهاد دولت را قبول می کنم و قابل می شوم با اینکه باید برای اینکار چریه قرارداد و لیکن مطالبه هم هست راجع به منافع عمومی بندۀ هر ض کردم خصوص در اینکار ندارم ولی در هالم تصور می توانم به یعنی که اگر ذبح بره قدر غن شود از طرفی یک منافعی برای عامه حاصل واهد شد ولی از طرف دیگر در اینکه ضرر ای هم بتجهاری که بخارجه حمل پوست کنند وارد می آیند جای تردید نیست ولی مذکور از اینها معلوم است منافعی که از منع بره متصور راست چون پیش از سار منافع

است که از ذبیح آن تصور می‌شود لذا از این نقطه نظر بنده اجرای این قانون را چون مشکل نمی‌دانم بلکه خوبی سهل و ساده می‌دانم همه آقایان می‌دانند بره را که می‌کشنند از برای استفاده گوشت نیست بلکه برای استفاده از پوست آن بره است پوست آنهم در داخله مملکت مصرف فروش میرسد اگر هم استعمال شود خوبی کم است غالباً پوست بره بخارج میرود و یا کقسمتی اندیزات را را تشکیل می‌نماید و بجهات این

بی شید ندارد و دایه هم نمی شود برای آن
ها گرفت این است که مجبور میشوند
آن هارا بکشند بنابراین نباید خیال نمود
که تمام بره هارا برای پوست آنها می
کشند و اینکه بنده عرض کردم وزارت
مالیه صدورت بدھند که در سال های
اخیر چقدر پوست بره از سرحد خارج شده
است برای این بود که گمان نمی کنم
مطلوبی که اینجا مذکور شد راجع به سال
های اخیر باشد بلکه راجع به قبل از جنگ
همومن است همان چهل هزار تومانی را
که می فرمایند از این راه استفاده شد اگر
حال باشد گمان نمیکنم بتوانند چنین
استفاده از این را بمنابع پوستهای تجاری
که سابقا هر چندی پانزده تومان قیمت
داشت حالا در داخله مملکت همان پوست
ها دانه بیست قران خرید و فروش میشود
و گمان می کنم حقیقتنا یک نتیجه خوبی از
وضع این قانون نبریم در صورتی که
دوازده سال قبل وقتی برای کم شدن
عدد تریاکیان این مملکت قانون چدید
وضع اگر دیگر کسی تریاک نخواهد
کشید و از عده مبتلایان باین مرض کاسته
خواهد شد آیا در ظرف این دوازده سال
چقدر از مبتلایان بتریاک کم شده اند مسائل
رضی فیراز مسائل عملی است و گمان
کنم اگر یک گمرک صد و هفتاد و پنج
به پوست بره بیندیم باندازه این مسئله
او گیری نخواهد کرد در سنه ۱۳۲۰
لک تلگرافی از تهران به تمام ولایات مغایره
مودند که طور را نباید بکشند همین
تلگراف باعت شد که مامورین دولت
در هر دمی که می رفتهند بیست تومان و
نیجاه تومان بتفاوت پول می گرفتند
آن روز هم اگر بره کشی منع شود در
ده مامورین دولت از دو تومان و سه
مان یا بیشتر هر قدر بتوانند از مردم
با هند گرفت و با وجود این هیچ کس هم
نایی نخواهد گرد اینها چیزهای بست
خیالی و در روی کاغذ است و جز اجزا
آن و امباب ذهن فراهم نمودن نتیجه
گری ندارد و بنده کاملا مخالفم ولی
اب اضافه گمرک موافقم
رئیسی - آقای وجید الملک موافقید
گزalf

وحیدالملک - موافق
رئیس پفرمایند
وحیدالملک اگر بنده هر رض
کردم موافق بکی از برای این بود که
که ترحدا با این لایحه و با این ماده اظهار
موافقت نموده باشیم
رئیس بنده خجال می کردم برای
لائق کردن اظهار موافق نمودید
وحیدالملک دلیل دیگر موافق
برای ترجمه آن حیوانات بدینه است از صادق

علی است که ضرر او متوجه بعده می-
شود و اگر در این مدت هایداتی از این
راه از برای دولت بوده خود دولت حاضر شده
است از آن عایدات صرف نظر نماید تا
این کار تکرار نشود

حاج میرزا عبدالوهاب — عقیده بنده
برای یک ضرر جزئی نمی شود از یک
منفعت کلی دست کشید و این قضیه اگر
برای بعضی دهانی اسباب ضرر باشد در
مقابل منافع کثیری دارد
ولی این مسئله باید تفکیک شود راجع
بیره کشی همانطوری که نوشته شده باید اجرا
شود

ولی راجع به بز و میش و هر چه نوشته
باید این ماده حذف شود زیرا اگر
راجع بآنها مذاکرانی می کنیم با صفالح
کاسه در آتش گرم ترشده ایم برای اینکه
خود صاحبان آنها یقیناً از ماختبلی پیشتر
نسبت باختدام خود دلسوژی دادند
رؤس — آقای محمد هاشم میرزا
موافقید

محمد هاشم میرزا — خیبر مخالف
رئیس — آقا آقا میرزا سپد
حسن کاشانی
(اجازه)
آقا میرزا سپد حسن کاشانی — بنده
هر رش می کنم چون وقت مجلس مفتتم است
بعقیده بنده بهتر این است که ماده اول بر گردد
بکمیسیون و اصلاح شود و پس از اصلاح
دوم رتبه به مجلس باید

دیس-آفای محمد هاشم میرزا
(اجازه)
گمان می کنم فرمایشاتی که آفای آفا
سبک یعقوب فرمودند هیچکدام عملی نباشد
ما نگفتهیم قانون را باید وقتی بگذرانیم که
تام مردم تصدیق و اجراء نمایند بلکه
گفتهیم قانون را وقتی باید وضع نمود که
موجبات اجرایش فراهم باشد نظر به ران
نباشد کرد که طبیب قصاب خانه دارد و
قصابهاش مجبور ندمراهات بعضی نظمامات
را بگشند ولایات دیگر ایران این طور
نیست آفایان اغلب رفت اند و دیده اند در
ولایات ابدا اینقانون قابل اجرا نیست
و اینکه آفایان می فرمایند بهمین بره
کشیده اند

وحيد الملك - موقف

دُبِيُّسٌ بِقَرْمَائِيدٍ

وحیدالملک اگر بنده هر رض
کردم موافقم بکنی از برای این بود که
که تر حما با این لایحه و با این ماده اظهار
موافقت نموده باشیم

رئیس بنده خجال می کردم برای
طاق کردن اظهار موافقت نمودید
وحیدالملک دلیل دیگر موافقت
نموده برای ترجمه آن حیوانات داشته است

بنده پیشنهاد می‌کنم بجای مواد این طور نوشته شود برای حفظ منافع هموم ذبح بره که برای استفاده از پوست کشته می‌شود در کلیه مملکت ایران منوع است و قیس - آقای قمی توضیع دارد بفرمانید.

آقامیرزا ابراهیم قمی - همان طور که گفته شد صاحب گوسفند و گله‌دار از همه کس بیشتر منافع خودش را منظور می‌دارد و گله‌دار بزومیش و گوسفند را نداشت که نشده باشد یا زدیک بموت نباشد نمی‌رسنند زیرا از آنها شیر - رونم - یشم - ماست می‌گیرند از گوسفندی که این اندازه استفاده می‌کند ممکن نیست آنرا بکشند مگر وقتی که مریض شده باشد مثل زمان گاو میدی والبته در آنوقت اگر آنها نکشند از پوستشان معروف خواهند شد . اما راجح بره توبدی کسی نمی‌داند است که پوست آن خوب است یا بد ولی ممکن است مادرش مریض شود آنوقت اگر مادرش را نکشند پوست بره توبدی آنرا هم فروشنند در بعضی دهات خبای از گوسفندها هستند که مرض گوکمی گیرند و در عین اینکه گوشتش هیچ‌عبیت نیافریدند و ممکن است از گوشت آن استفاده نموده یکدغه می‌افتدند و میرند و اگر آنها حلال نکنند از استفاده از آن معروف می‌شوند و بر توبدی هم همچشم باشد و همچنین مثلاً کسی می‌ش آبستن را بهشت تومان می‌فرمود و قتی بجه اش بدنی امی‌آید می‌بیند او دوازده تومان می‌خوردند و اگر شش ماه دیگر اورا نگاهدارد و یعنی تومان ارزش دارد در اینصورت او را می‌کشد بنابراین همانطور که فرمودند باید پوستها در گمرک ضبط شود و الا هر ترتیب دیگری استفاده فرمایند توبدی اشکال و زحمات عدیده خواهد نمود زیرا ممکن است اتفاق بیفتند یا بره یا هضو دیگر شعب کند و همچوپ شوند اورا بکشند پس از کشتن پوستش دو قران قیمت داشته باشد آنوقت اگر این پرست راهم ضبط گفند گمان می‌کنم صحیح نباشد باید صدور پوست‌های قابل استفاده را منع نموده مابقی اهمیتی ندارد و قیس این سه‌فقره اصلاح بگمیشون ارجاع می‌شود پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا آقای صدرائی راجح به ماده دوم است بالعکس گویا آقایان موافق باشند چند دقیقه تنفس داده شود

(در این موقع جلسه برای تفاس تعلیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید) رئیس - ماده دوم قرائت می‌شود

هر احمدی وارد نخواهد آمد و بنده این قسم را عملی ترمی دانم و همانطور که کمیسیون کووالرا مستثنی کرده باید بزومیش راهم مستثنی گند و فقط از کشتن بره جوان و صدور پوست آن جلوگیری کرد و این مسئله هم نظر بصلاح عمومی است زیرا اگر کسی بخارج برود می‌بیند که در این انقلابات اخیر گوسفند وغیره خیلی کم شده است و نکلف ما و دولت آنست که برای مصلحت عمومی از این ترتیب جلوگیری نمایم این است که بنده این پیشنهاد را کردم و اگر آقایان قبول بفرمایند دیگر محتاج بنظام نامه نیست ویکی از کارهایی که باید در این دوره بکنیم همین است که باید خیلی اهمیت بدهیم با اینکه بعیان قانونی محتاج بنظام نامه دولت نباشد زیرا نظام نامه دولت قانون را مجموعی کند و بقدری صادمه بمردم وارد باشد اورد که قابل گفتن نیست اینست که باید کاری کنیم که قوانین محتاج بنظام نامه و تبعیص نباشد اگر این ترتیب نباشد گمان نمی‌کنم دیگر محتاج باشند باشیم که سه ماه یا چند ماه اعلان کنیم و مدت قرار بدهیم زیرا در خود داخله مملکت هم بکمقداری محتاج بودست بر هستند و کلام می‌گذرد از اینکه از اینکه از می‌سازند و خیلی هم بهتر است از اینکه از خارجه بودست می‌آورند و کلام ترتیب بدهند این است که اگر آقایان این پیشنهاد را قبول بفرمایند دیگر مذاکرات هم گافی خواهد بود و خبری - بالاخره نظر آقایان مراجعت مخصوص بدهیم بکشتن بره کوچک و بزر و ماده اول - برای حفظ منافع عمومی در کایه مملکت بره کشی منوع خواهد بود معمتمد السلطنه قرائت می‌شود)

(بطریق ذیل قرائت شد)

ماده اول را بنده بطریق ذیل پیشنهاد می‌کنم

(خراسانی فرائت می‌شود)

(بطریق ذیل فرائت شد)

لذا کشتن بره تا ماه سرطان منوع است

(عماد السلطنه خراسانی (پیشنهاد آقای معتمد السلطنه فرائت می‌شود))

(شرح ذیل فرائت شد)

برای جلوگیری از بره کشی دو ماده

ذیل را پیشنهاد می‌نمایم

ماده اول - برای حفظ منافع عمومی در کایه مملکت بره کشی منوع خواهد بود

معتمد السلطنه - دو ماده است

رئیس - ماده دوم راجح بمجادات

است و در ماده دوم باید فرائت شود آقای

مدرس توضیحی دارید

مدرس - بلی چنانچه آقایان فرمودند

بزر و میش و بزرگاله باید مستثنی شود و بطنی

به مسئله ندارد بنده هم یک مقداری برای

احتیاجات داخله معتمد باید قهرآشکته شود

یا برای احتیاج بگوشت آن و یا اینکه

مریض است فقط چیزی که هست ممکن است

از کشتن بره کی بودست آن بخارجه حمل می‌شود

و منع کردن کشتن بزر و میش بدون اینکه

برای کشنه آن یک جریمه معین شده باشد

بنده نمی‌دانم چه مفهومی دارد از این

نقشه نظر بنده مخالفم و عقبده بنده باید

بعال کشتن بره جوان قدرن شود و بزر و میش

حذف شود

خبر - بنده خواهش می‌کنم پیشنهاد

آقای مدرس فرائت شود تا شاید مذاکرات

پیشنهاد شده و مطابق اطلاعاتی که از اداره گمرک تحصیل نموده ام در هر سال تقریباً سیصدهزار پوست بره از خر حدات خارج می‌شود بدینه است اگر یک ترتیباتی برای جلوگیری از کشنه این را داده نشود هم گوشت در مملکت فراوان خواهد شد و هم تجارت مملکت ترقی خواهد نمود و ممکن است اطلاعات کافی تری راجح به تعداد و مقدار آن در شور دوم بعرض بر سامن رئیس - آقای حاج میرزا

مرتضی

(اجازه)

حاج میرزا هر تضییی - بنده تصور می‌کنم مقصود اصلی دولت فقط قدرن از کشنه بره است و تقریباً بزر و میش و گاو طرد الباب ذکر شده زیرا اشخاصی که دارای بزر و میش و غیره هستند طبعاً نسبت با غذان خودشان خیلی دلسوخته از ماهها هستند و تایل امر فوق العاده نیاشد نه آنها را می‌فروشند و نه می‌بکشند از این نقطه نظر بنده تصور می‌کنم همان - طور که آقای مدرس فرمودند این کار را تخصص بکشتن بره کوچک و بزر و بزرگاله را از این لایحه استقطاب کنیم اما در کایه مملکت بره کشی منوع خواهد بود میش یا بزرگاله را کشت جریمه اورد این ماده بعد معین شده و بودست در گمرک ضبط خواهد شد

بنده تعجب می‌کنم این به قسم جریمه عی باشد

ولا این پوست ها در داخله بمصرف می‌رسد و برفرض هم که بخارجه حمل شود در گمرک ضبط گردد بودست آنها دانه یک فران پیشتر نبست و فایده از ضبط آن مقصود نیست

بنابراین این مسئله همومیت داشته باشد آنچه جریمه می‌گیرد این که هست ممکن است از کشتن بره کی بودست آن بخارجه حمل می‌شود

و منع کردن کشتن بزر و میش بدون اینکه برای کشنه آن یک جریمه معین شده باشد بنده نمی‌دانم چه مفهومی دارد از این نقشه نظر بنده مخالفم و عقبده بنده باید بحال کشتن بره جوان قدرن شود و بزر و میش

مخبر - بنده خواهش می‌کنم پیشنهاد آقای مدرس فرائت شود تا شاید مذاکرات

ختم شود

رئیس - پیشنهادات پس از کافی بودن

مذاکرات فرائت می‌شود آقایان قمی و سلطان

الملاءه خالقند؟

رئیس آقا میرزا ابراهیم قمی -

بلی

رئیس - آقای مملکت الشراء

چه طور؟

ملک الشراء - بنده عرضی ندارم

رئیس - پیشنهادات آقایان قرائت

می‌شود

حذف بشود دیگر چه اصراری دارند که در این موضوع مذاکره فرمایند یک عدد تجار الان صاحب پوست هستند و هیچ قانونی هم شامل ما قبل نیشود دلیل نداره ما بگوئیم از فردا که این قانون اجرا میشود تمام پوستها در سرحد ضبط شود البته باید با آنها مهلت داد و پوستها را باید هلاخت گذاشت که از حالا تا هر وقت میتوانند آن پوست را خارج کنند.

رئيس - آقای شیخ اسدالله موافقید
یا مخالف؟

حاج شیخ اسدالله - موافق
رئيس - آقای تدبین
(اجازه)

تدبین - بنده اساساً موافقم که مهلت به دارندگان پوست داده شود ولی با این ترتیبی که در اینجا نوشته شده که ارجاع باداره مالیه شود و در آنجا مهر سری مخصوص نمایند بنده مخالف هستم زیرا ممکن است تولید شکلاتی برای دارندگان پوست بشود همچند این است که باید یک مدتی مثلاً ششماه در نظر گرفته شود که تا آن مدت بور و سیله که میتوانند پوستهای خود را بخارجه حمل کنند بعد از آن دیگر پوستهایشان ضبط شود و گمان میکنم این ترتیب که در آنجا نوشته شده اسباب زحمت میشود.

رئيس - آقای حاج شیخ اسدالله
(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - در هر صورت بالاخره ارجاع بگمیسیون خواهد شد و عبارت اصلاح می شود ولی اساساً بنده موافقم این ماده در اینجا باشد اما اینکه آقای تدبین فرمودند برای حمل بخارجه یک مدت مهلتی داده شود تصور میکنم اشکال او زیادتر باشد و درجع بوزارت مالیه سه تراز تعیین مدت برای حمل بخارجه است زیرا ممکن است وسائلی لازم باشد و تاجری که دارای پوست است و میخواهد آنرا یک نقطه حمل کند نتواند تا ششماه دیگر وسیله حملش را فراهم بیاورد اما ممکن است تا سه ماه دیگر باداره مالیه مراججه کنند و پوست آنها را مهر بزنند زیرا یک تجارتی راجع به پوست بر معمول است تجارتی پوستی خریده اند و این تاجر پیچاره خبر نداشته که انتبه ما میشیم و قانونی وضع مبکتیم او تقصیری نکرده است که پوستهایش ضبط شود البته لازم است بایک مهلتی باوداده شود پوستهایی را که خریداری کرده و میخواهد بخارجه حمل کنند مهر نمایند تا در موقع خروج معلوم باشد مطابق معمول سابق گمرک بدده و همینطور که آقای مخبر فرمودند بارت آخر این ماده باید اصلاح شود.

رئيس - مذاکرات کافی است یا

نه کافی

متعارف و در اتفاقی این مدت کلیه پوستهای میتوانند میخواهد ضبط میشوند مخبر - نظر باینکه پیشنهاد آقای مدرس در نظر گرفته شده و کمیسیون هم با آن پیشنهاد موافق است آخرین ماده تغییری باید بیندازد با این طریق که نوشته شود وزارت مالیه مکلف است در هر محل از روز اعلان این قانون تا سهماه بدارندگان پوست بر مهلت دهد پوست های موجود خود را باداره مالیه برد و مهر سری مخصوص نمایند پوستهایی که در مدت مزبور مهر سری خوده باشد از ضبط دو سرحد معاف خواهد بود

رئيس - آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خوشبختانه با این ماده بکلی مخالفم زیرا ما مجازات کشتن بره این را قرار دادیم که پوست آن در گمرک ضبط شود حالا میخواهند بیان کنند که اداره مالیه باید در داخله تغییر کند اگر جانی پوست گوسفتند باشد ضبط کند بنده بکلی مخالف هستم و اگر پوست بخواهد بخارج برود باید گمرک ضبط کند

رئيس - آقای حاج میرزا علی دولت
آبادی موافقید یا مخالف

حاج میرزا علی محمد - موافق

رئيس - هاشم هیرزا - پون آفایان
مذاکرات را کافی میدانند عرضی ندارم
رئيس - آقای حاج میرزا مرتضی
حاج میرزا هر قضی - بنده هم هر ضبط ندارم

قانونی برای آن وضع کنیم در مال التجاره که بعلو در ترازیت وارد گمرک می شود گمرک حق بسیار مفترضی دارد و بدون گردن معمول هم خارج شود همینکه تجارت این مال التجاره را تصرف کردد در حکم مال التجاره است آن وقت اگر بخواهند قانون آن مال التجاره را حمل بخارج کنند باید بحسب معمول گمرک بپردازند راجع بپوست برهم اگر بطور ترازیت تجارت شود مطابق قانون گمرک وفتار می شود و دیگر لازم نیست ما با کمک قانونی وضع کنیم

مخبر - اگر آقای آقا سید یعقوب

بنده التفات می فرمودند می دیدند فرمایشات ایشان هیچ مورد ندارد بنده هر ضبط کردم ممکن است تجارت مال التجاره را از خارج خریداری کنند مقداری را در داخله معامله کنند و مقداری را هم خارج نمایند این مسئله مربوط به ترازیت نیست

رئيس - آقای حاج میرزا علی محمد
دولت آبادی

(اجازه)

حاج هیرزا علی محمد دولت آبادی
بنده عرضی ندارم

رئيس - آقای محمد هاشم هیرزا
(اجازه)

حاج هاشم هیرزا - پون آفایان
مذاکرات را کافی میدانند عرضی ندارم
رئيس - آقای حاج میرزا مرتضی
حاج میرزا هر قضی - بنده هم هر ضبط

رئيس - آقای دیوبیس التجار
(اجازه نطق)

رئيس - التجار - بنده این ماده سوم را لازم میدانم زیرا پوست زیادی از ترکستان و افغانستان وارد ایران میشود و مخصوصاً بخراسان می آید و به تجارت مختلف داخلی فروخته میشود بعد که در یک جامع شد دوسره نفر تاجر آن را از طرف چوب خارج می کند البته اگر هلامت و نشانه نداشته باشد وقتی بخواهند آن را خارج کنند گمرک زیادی باید بدهند و این باعث ضرر فوق العاده تجارت خواهد شد.

رئيس - گمان میکنم مذاکرات در ماده سوم کافی باشد

(جمعی کفته کافی است)

رئيس - ماده چهارم قرائت می شود

بشرح آنچه قرائت شد

ماده چهارم وزارت مالیه مکلف است در هر محل از روز اعلان این قانون تا سه ماه بدارندگان پوست برهم مهلت دهد که پوستهای موجوده خود را باداره مالیه برد و مهر سری مخصوص نمایند پوستهایی که در مدت مزبور مهر سری شده باشد از ضبط

البتاً اگر در داخله مملکت خرید و فروش بپست بره منوع باشد آنوقت این مسئله صحیح است یعنی اگر هر آنچه بپست از خارج وارد شد چون از تجارت نمیشود جلوگیری کرد باید گمرک آنرا مهر کند که معلوم باشد متعلق بخارجه امت ولی وقتیکه این نظریه را آفایان ندارند دیگر موضع مهر سری از بین میروند و هیچ محتاج به هلامت نخواهد بود واینکه فرمودند در موقع خروج پوستها را ضبط کنند گمان میکنم فرضی است که هیچ وجود خارجی پیدا نخواهد کرد و عقیده بنده این است که باید بک گمرک سنگینی بسته شود و شاید کمیسیون هم این نظریه اتخاذ کند برای خاطر اینکه ممکن است مقداری بپست از خارجه بیاورند و باز به این خارج کنند در صورتیکه مقصود مابرہ کشیده باشند است و بیوستی هم که از طرف ترکستان و افغانستان به مملکت ما وارد میشود اغلب خارج نمیشود اگر خارج بشود بپست داخله است و اگر هم بک گمرک گرفتاری آبان به بنديم هیچ مانع و اشکالی ندارد و اگر هم عنوان ترازیت باشد آن را موضع خارجی است و راجع به معمایت تجارتی خواهد بود

مخبر - خوب بود آقای حاج شیخ اسدالله همانطور که بفرمایش آقای تدبین التفات فرمودند بعرض بنده هم التفات میفرمودند بعرض بنده هم التفات میکرددن البته خرید و فروش بپست در داخله آزاد میشود و مانع نخواهد داشت ولی ضبط در سرحد بجهای خود باقی است و در این صورت برای تجارت فرق نخواهد کرد زیرا مشتری های خود را از دست نمیدهد و ممکن است متعاق خود را جهای دیگر مثلاً از سرحدات شرقی تهیه کرده مقداری رادر در داخله معامله کنند و مقداری را بخارجه حمل نمایند اگر ما این قید را نکنیم در آن موقع باید از آنها بک چریمه فوق العاده گرفته شود در صورتیکه دلیل ذلکه ندارد ما از تجارتی که از خارجه بپست میکنیم بکیم البته باید آزاده هم کنند این ماده که بکیم البته باید آزاده و از تجارت خارجه بپست میباورند و حمل کنند این ماده میکنند چیزی نکنند و از تجارت خارجه هم که بکیم البته باید آزاده و از تجارت خارجه هم جلوگیری نکرده رئیس - آقای هاشم هیرزا

مشتند - آقای هاشم رونی مخالف

آقامیرزا علی کازرونی - باید مخالف

رئیس - بفرمایند

آقامیرزا علی کازرونی - بنده گمان می کنم آنچه آقای مخبر و همچنین آقای آفای سید یعقوب از ترتیبات گمرکی اطلاع ندارند این مسئله که می فرمایند داخلی به ترازیت است راجع برایورت پیک قانون مشهدی دیگر معمول بوده است هیچ معنا نیست ما باید میکنیم و باید آنچه این مسئله